

مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

مدارک علمی

رساله علمی سطح ۳

**موضوع:**

شفاعت از دیدگاه فریقین

**استاد راهنما:**

حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج عبد الکریم غابدینی

**استاد مشاور:**

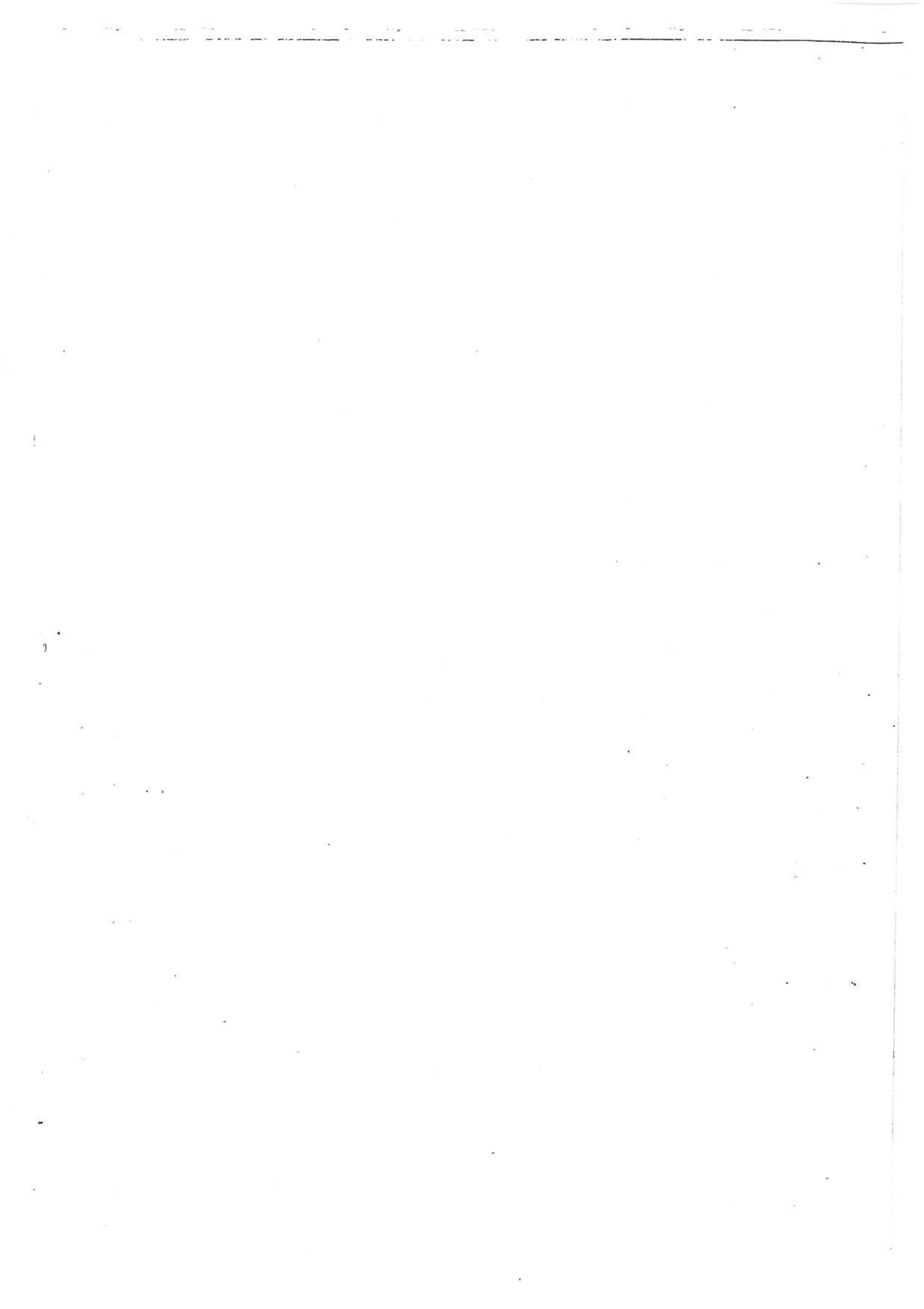
حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج حسین رجبی

**نگارش:**

داود میرزایی

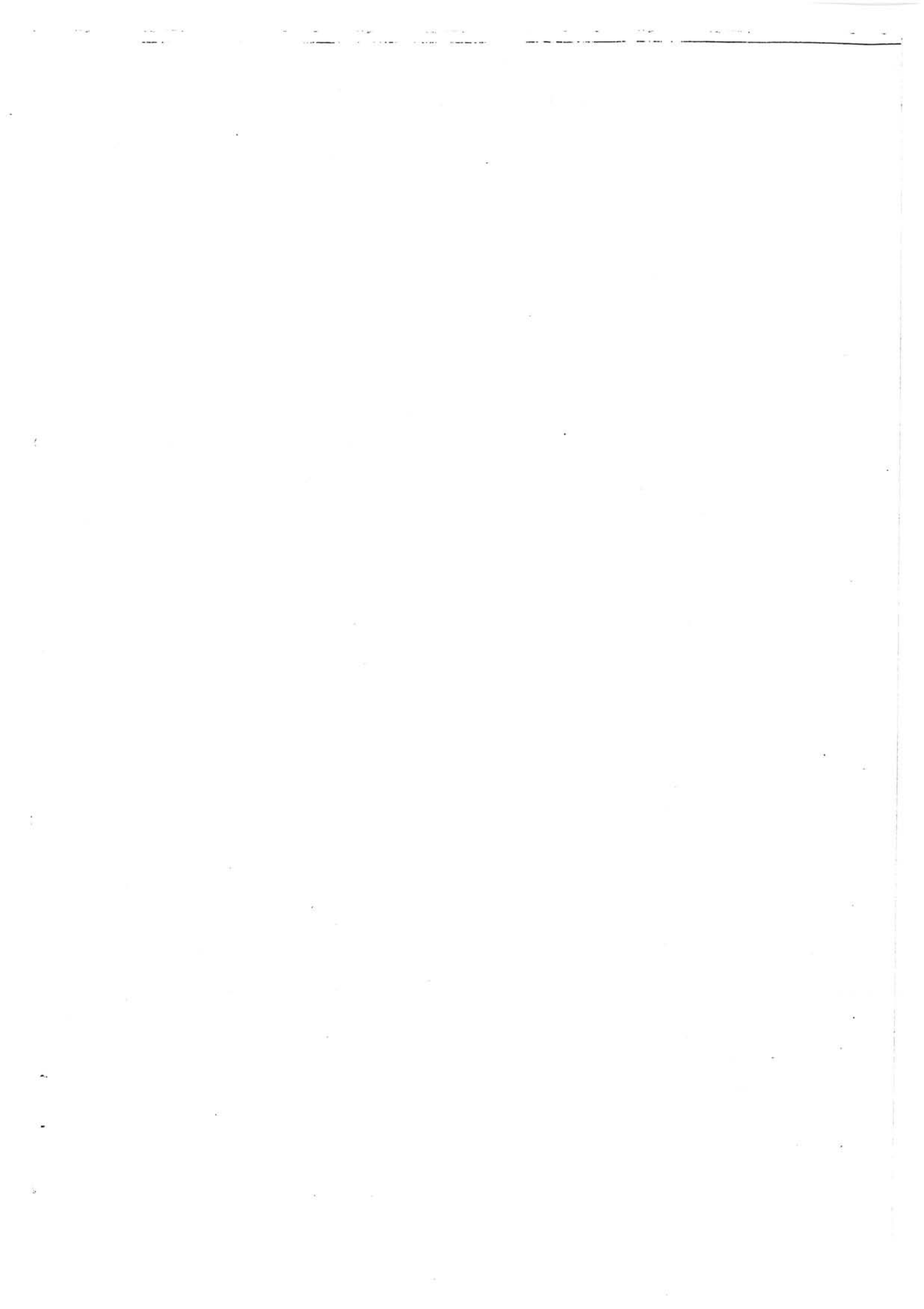
سال تدوین: ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



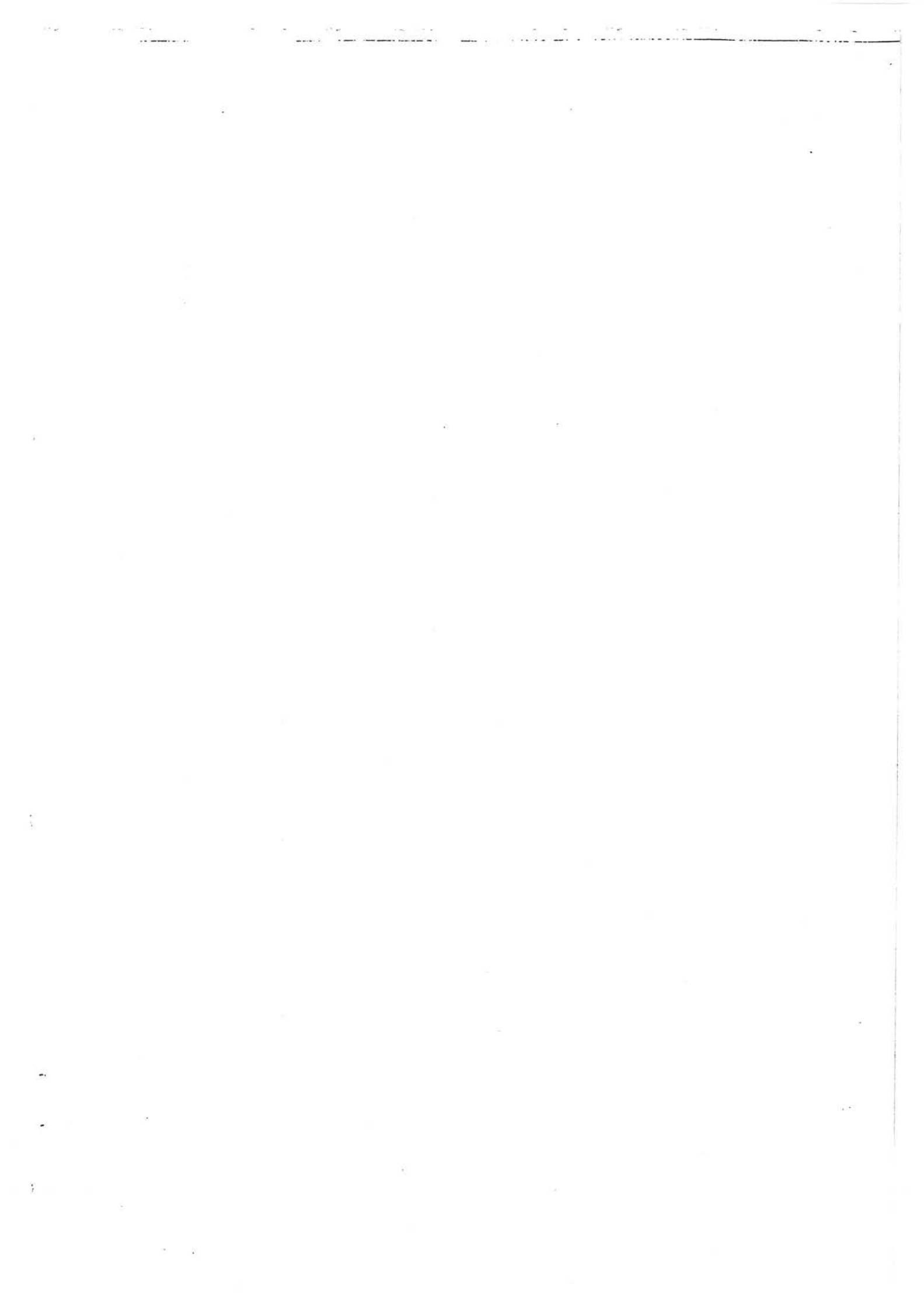
تقدیم به:

ساحت مقدس حضرت ولی عصر (ارواح‌ناله الفداه) که سایه لطفش همواره بر سر ماست؛ روح امام  
راحل خمینی کبیر (ره) احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) و ارواح طیبه شهدای گرانقدر به ویژه پسر  
عموی شهیدم جواد میرزایی و پدر بزرگوارم، مرحوم ارشد میرزایی.



**تشکر و قدرنمایی:**

بدینوسیله مراتب سپاس، تشکر و قدردانی خود را از همه کسانی که مرا در جریان تدوین رساله کمک کردند و نیز از مدیریت حوزه اعلام می‌نمایم و بهترین درودهایم را نثارشان می‌کنم. اگرچه تمامی اساتید بزرگوار که افتخار شاگردی آنها را داشتم در این امر سهیم هستند ولی نقش مهم در این میان به حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای عبد‌الکریم عابدینی (استاد راهنما) و حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای حسین رجبی (استاد مشاور) اختصاص دارد، زیرا با راهنمایی‌های خود همواره مشکلات اساسی را از میان برداشته و مشوق اینجانب در ادامه کار بوده‌اند.



## پیشگفتار:

شفاعت بهره گرفتن شایستگان و صالحان از رحمت گسترده و مغفرت خدای متعالی در پرتو وساطت اولیای الهی می باشد و کسانی که خداوند از آنان راضی بوده و با دین مرضی او از دنیا رفته و لیاقت دریافت آن را داشته باشند از آن بهره مند شده و نجات می یابند. که حدود سی آیه از قرآن مجید و روایات متواتر و فراوان و اجماع علمای اسلام و سیره مسلمین از صدر اسلام تا به امروز آن را ثابت و محرز و مسلم نموده است.

مسئله شفاعت از نظر کلی مورد پذیرش عموم فرق اسلامی است، عامه و خاصه بدان معتقدند ولی در این که شفیع کیست؟ آیا به طور انحصاری خداست یا شفیعان دیگری نیز حق شفاعت دارند؟ رابطه شفاعت کنندگان با ذات باری عرضی است یا طولی؟ اختلاف نظر وجود دارد.

این رساله در صدد آن است ضمن پاسخگویی به سوالات یاد شده، تبیین موضوع شفاعت گزارشی اجمالی از چگونگی طرح موضوع شفاعت در کتاب و سنت را ارائه نماید.

بدین منظور در فصل اول ضمن واژه شناسی مفهوم لغوی و اصطلاحی شفاعت و اقسام آن، شفاعت از نگاه قرآن و روایات، قلمرو شفاعت مورد بحث قرار گرفته است.

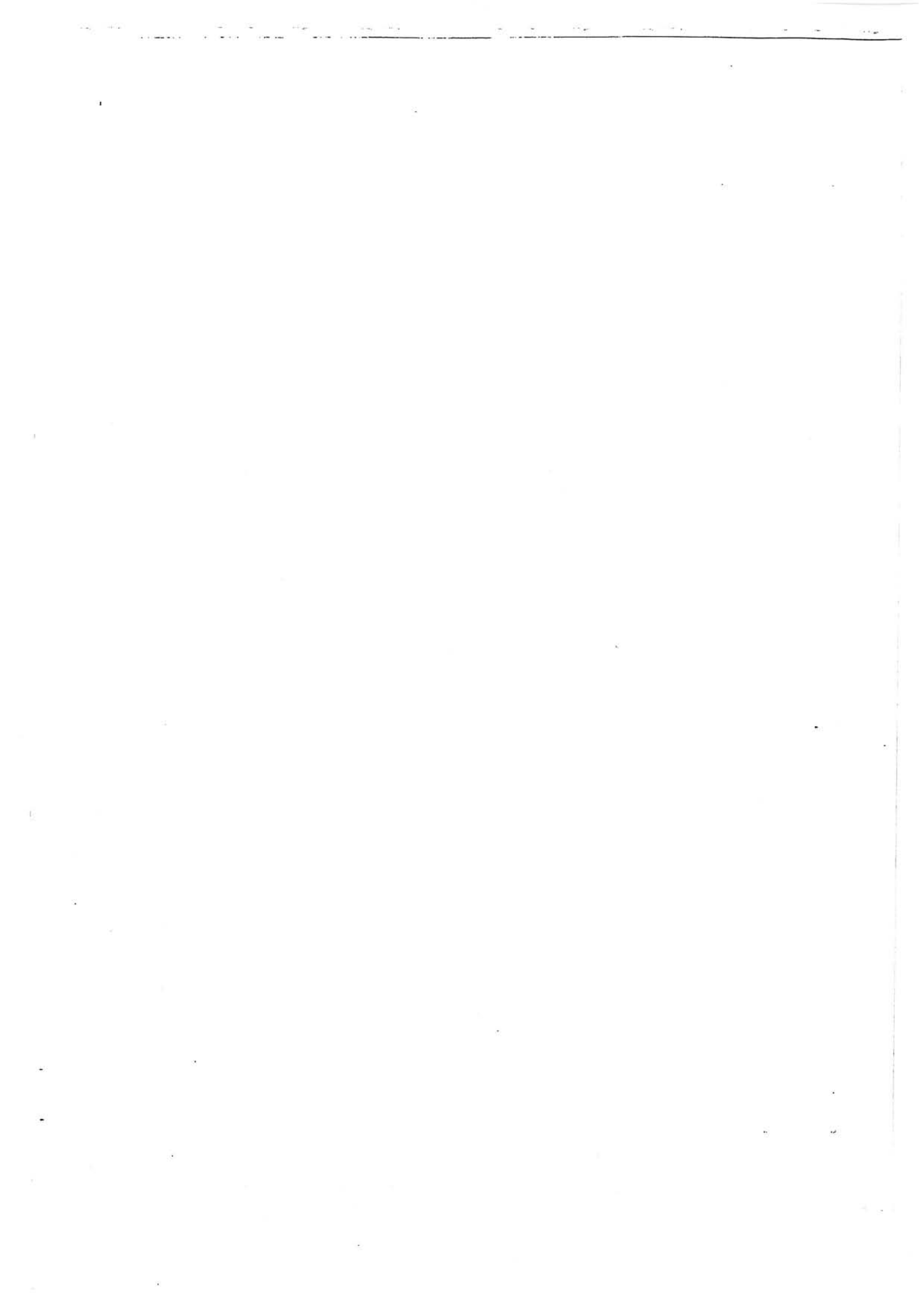
در فصل دوم دیدگاه اهل سنت به شفاعت و ادله آنها با محوریت نظرات معتزلی ها و اشاعره و شریقه های نو ظهور و وهابیت ارائه شده آنگاه دیدگاه امامیه و ادله ی آن مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم: چند شبهه علمی و عملی مطرح و پاسخ آنها به نحو موجز تقدیم شده است.

و در خاتمه جایگاه شفاعت و آثار اعتقاد به آن و بخشی از نتایج پایان نامه آمده است.

کلید واژه های تحقیق: شفاعت، شفیع، اقسام شفاعت، آثار شفاعت، شبهات شفاعت



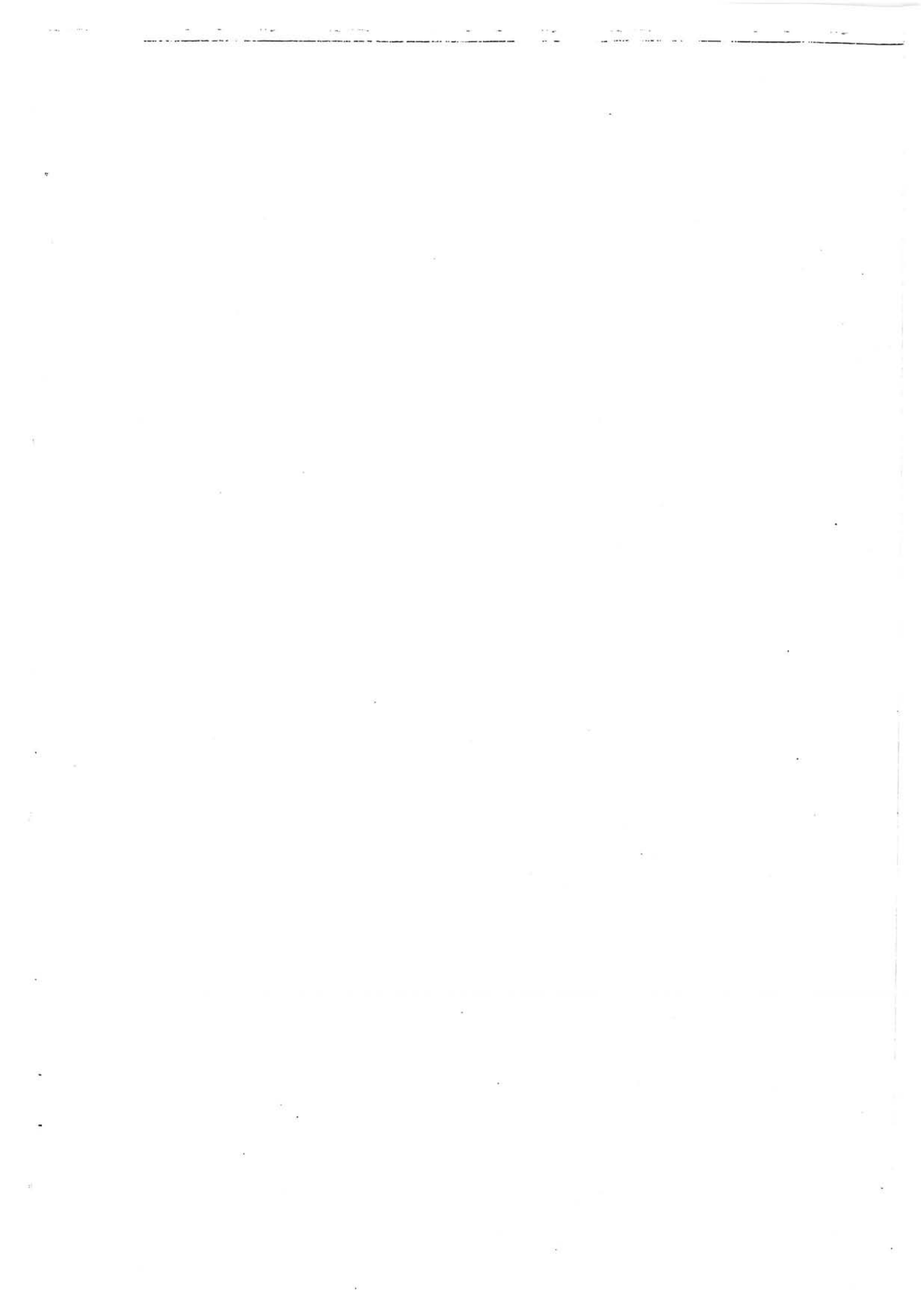


## فهرست مطالب

۸	.....	مقدمه
۹	.....	الف) تبیین موضوع
۹	.....	ب) بیان اهمیت مسأله و فواید و اهداف آن
۱۰	.....	ج) پیشینه‌ی تحقیق
۱۱	.....	د) سؤالات اصلی و فرعی
۱۱	.....	فرضیه تحقیق :
۱۱	.....	روش تحقیق :

## فصل اول: کلیات

۱۲	.....	۱- واژه شناسی
۱۲	.....	الف) شفاعت در لغت
۱۳	.....	ب) شفاعت در اصطلاح
۱۵	.....	۲- اقسام شفاعت
۱۵	.....	الف- شفاعت تکوینی
۱۶	.....	ب- شفاعت تشریحی
۱۹	.....	ج- شفاعت باطل
۲۱	.....	د- شفاعت صحیح
۲۲	.....	۳- شفاعت از نگاه قرآن
۲۲	.....	الف) آیات شفاعت: با محوریت آیه ها و روایات تفسیر
۳۶	.....	ب) تقسیم آیات شفاعت
۳۹	.....	ج) نتایج مربوط به آیات شفاعت
۴۰	.....	۴- شفاعت از نگاه روایات و سنت
۴۰	.....	الف) نقل روایات
۴۵	.....	ب) تقسیم بندی روایات
۵۰	.....	۵- قلمرو شفاعت
۵۵	.....	مبحث اول: شفاعت کنندگان
۶۰	.....	مبحث دوم: شفاعت شوندگان
۶۲	.....	مبحث سوم: اعمال موجب تسریع
۶۵	.....	مبحث چهارم: موارد شفاعت

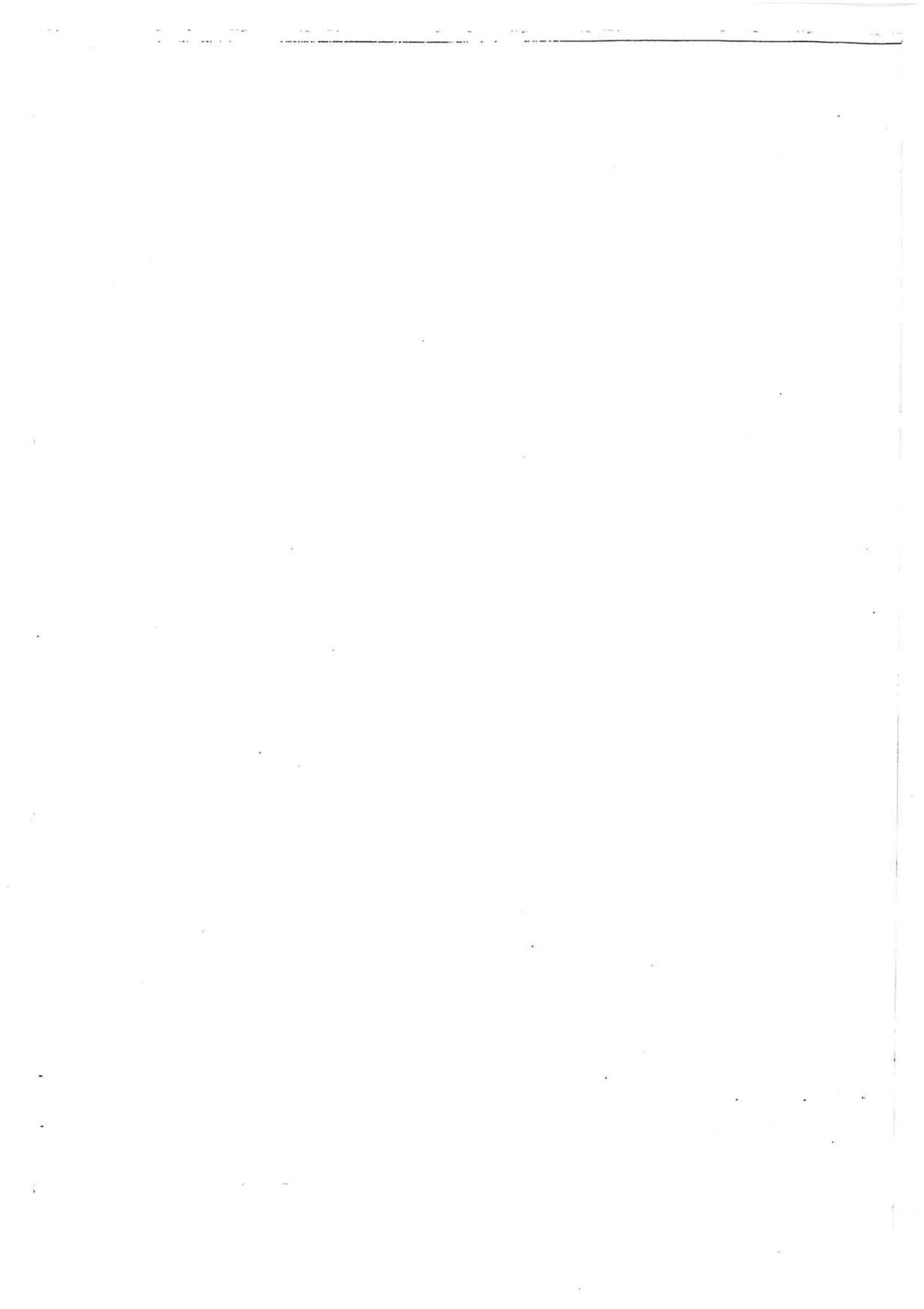


## فصل دوم: دیدگاهها

- ۱- دیدگاه اهل سنت و ادله آن ..... ۷۰
- الف) طلب شفاعت اصحاب در زمان حیات پیامبر اکرم(ص) ..... ۷۰
- ب) طلب شفاعت اصحاب بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) ..... ۷۱
- گفتار اول: ..... ۷۷
- الف) دیدگاه اشاعره ..... ۷۷
- ب) استدلال اشاعره ..... ۷۸
- گفتار دوم: ..... ۷۹
- الف) دیدگاه معتزله ..... ۷۹
- ب) دلایل معتزله بر ترفیع درجه به واسطه شفاعت ..... ۷۹
- گفتار سوم: دیدگاه سلفیه ..... ۹۰
- گفتار چهارم: دیدگاه ابن تیمیه ..... ۹۱
- گفتار پنجم: دلایل جواز طلب شفاعت ..... ۹۵
- ۱- طلب شفاعت طلب دعا است ..... ۹۵
- ۲- قرآن و دعوت به طلب شفاعت خواهی ..... ۹۶
- ۳- طلب شفاعت در احادیث ..... ۹۸
- ۴- طلب شفاعت در لسان دعا ..... ۹۸
- گفتار ششم: دیدگاه وهابیت و دلایل مانعین از شفاعت و پاسخ آن ..... ۹۹
- الف) ادله چهارگانه وهابیت در موضوع شفاعت ..... ۹۹
- ب) جواب تفصیلی به گفتار محمد بن عبد الوهاب ..... ۱۰۴
- ۲- دیدگاه امامیه و ادله آن ..... ۱۱۵

## فصل سوم: نقد و بررسی شبهات

- شبهات و جواب ..... ۱۲۲
- خاتمه ..... ۱۴۰
- فهرست منابع ..... ۱۴۳



## مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على خير خلقه وخاتم رسله محمد بن عبد الله وعلى آله الطيبين الطاهرين المعصومين المنتجبين الشافعين لنا في يوم الجزاء لا سيمابقه الله في الارضين عجل الله تعالى فرجه الشريف وجعلنا من اعوانه وانصاره

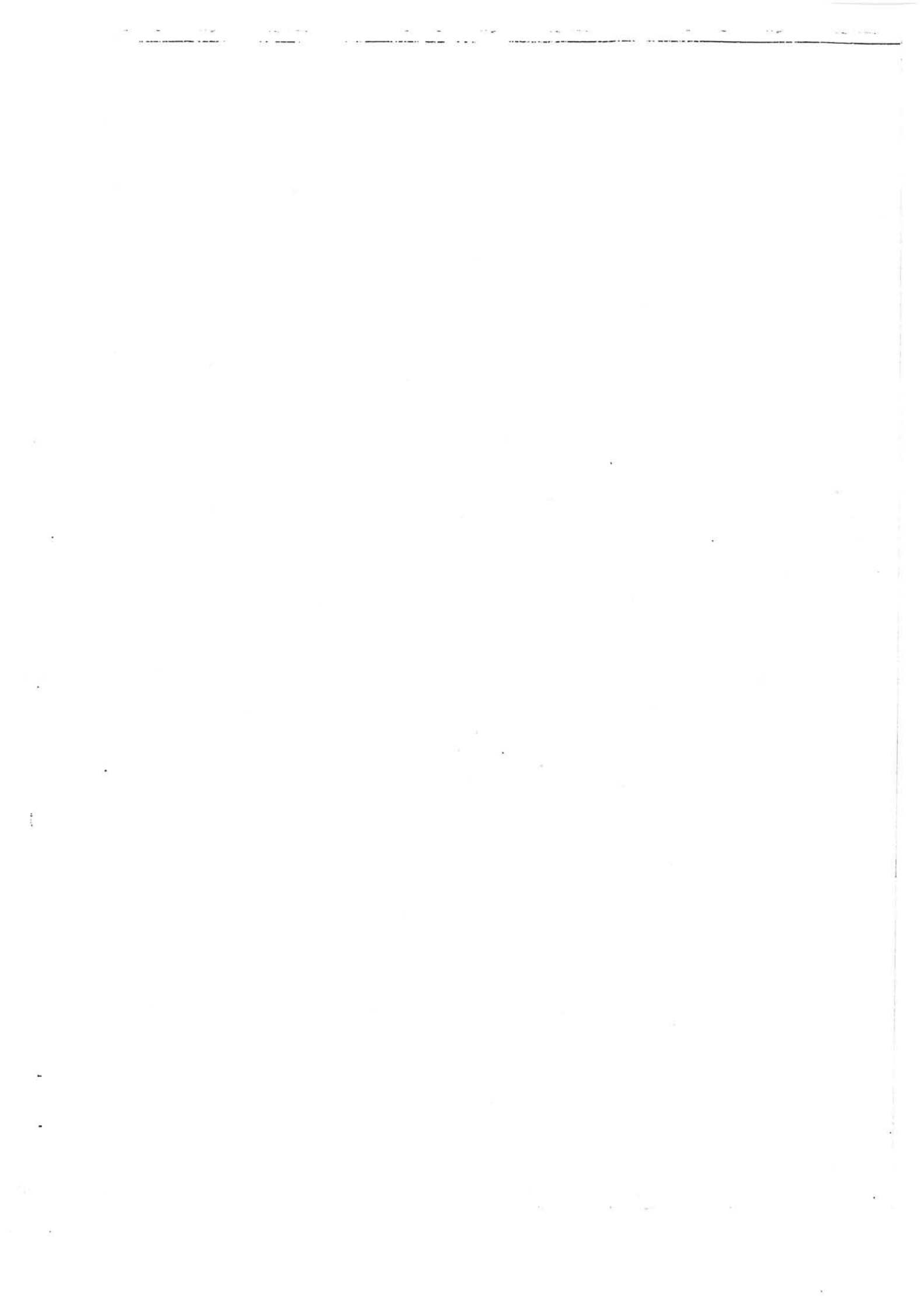
شفاعت که همان بهره گرفتن شایسته از رحمت گسترده و مغفرت پروردگار عالم در پرتو وساطت اولیای الهی است، یکی از معارف رفیع و امید بخش و از اصول مسلم اسلام و آخرین امید مؤمنانی است که از آلودگی به گناه رنج می برند و همه مردم مخصوصاً مسلمانان با این واژه آشنایی کامل دارند. هر گاه از جرم، بزه، متهم و مجرم سخن به میان می آید بلافاصله شفاعت نیز متبادر به ذهن می شود. شفاعت تجلی بزرگترین و فراگیر ترین رحمت الهی در اولیای خدا به ویژه رسول اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) می باشد.

قرآن مجید که جامع تمام مصالح انسانی و راهنمایی جاودانی و هادی به سوی صلاح و فلاح است، شامل همه معارف و احکامی است که بشر برای سعادت خود احتیاج به آن دارد.

یکی از بحثهای آن موضوع شفاعت است که در آیات متعدد مطرح شده است. مفسرین قرآنی اتفاق نظر دارند که منظور از مقام محمود در آیه کریمه ﴿عسی ان یبعثک ربک مقاماً محموداً﴾<sup>۱</sup> همان مقام شفاعت کبری پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) است و در آیه مبارکه ﴿ولسوف یعطیک ربک فترضی﴾<sup>۲</sup> آن چیزی که عطای آن موجب رضایت پیامبر خواهد شد، حق شفاعت است.

<sup>۱</sup> - سوره امراء آیه ۷۹.

<sup>۲</sup> - سوره ضحی آیه ۵.



## الف) تبیین موضوع :

در این پایان نامه سعی شده که موضوع شفاعت از دیدگاه فریقین تبیین و به شبهات موضوع جواب داده شود. علمای اسلام اجماع دارند که شفاعت بر پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله) ثابت است و با توجه ده ها آیه، بسیاری از روایات، و اجماع علمای اسلام و دلائل عقلی و سیره‌ی مستمره‌ی مسلمانان هیچ تردیدی در حقانیت آن باقی نمی‌گذارد. تنها وهابیت که به نحو بسیار سطحی و قشری از توحید در پرستش سخن می‌گوید، شبهاتی را پیرامون مسئله شفاعت مطرح کرده است که حکایت از عدم توجه به کلیه آیات مربوط به شفاعت و غرض ورزی و یک سونگری آن گروه دارد. در این رساله بسیاری از آیات قرآنی مربوط به شفاعت مورد بررسی قرار گرفته تا شبهات احتمالی مرتفع گردد.

## ب) بیان اهمیت مسأله، فواید و اهداف آن :

آثار و برکات طرح مسئله‌ی شفاعت در قرآن مجید بیشتر مورد توجه قرار گیرد و هدف و مقصود از این آموزه امید بخش دینی آشکار شود.

علاوه با درک صحیح از مفهوم شفاعت می‌توان یک رابطه معنوی با اولیای مقرب و شافعان که پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) از مهمترین آنان در قیامت هستند، برقرار کرده و آنها را الگو و آسوه‌ی حسنه در اخلاق و رفتار و کردار قرار داد.

و از اهداف دیگر این رساله ایجاد امید در کسانی که به خاطر گناه به یأس و ناامیدی از رحمت الهی گرفتار شده‌اند. و از فوائد و برکات مثبت و با ارزش شفاعت است که بارقه‌ی امید در دل مؤمنان گناهکار زنده می‌شود و آنها را به سوی اصلاح گذشته و پیروی از اولیای گرامی الهی سوق می‌دهد تا آنان را با بهره‌گیری از فیض عظمی به سعادت ابدی نائل و در رضوان الهی جای بگیرند.



و از آنجا که بعضی از افراطیون از اهل سنت با سوء استفاده از این مفهوم قرآنی نسبت های ناروا به پیروان فرق اسلامی به ویژه پیروان اهل بیت (ع) می دهند لذا تبیین موضوع و شبهات مربوط به آن ضروری بنظر می رسد.

به همین منظور و به حول و قوه الهی و با استمداد از ارواح پاک حضرات معصومین (ع) مباحث آن را مطرح خواهیم کرد امید است خداوند متعال به لطف و کرم خود این قلم را از راه ناصواب باز داشته و مقصد رضای خویش ره نماید.

### پیشینه ی تحقیق :

در رابطه با پیشینه ی تحقیق می توان گفت که در موضوع شفاعت کتابهای تفسیری از جمله:

۱- تفسیر المیزان

۲- مجمع البیان

۳- جوامع الجامع

۴- تفسیر نمونه

۵- المنار، تبیان

۶- تبیان

۷- کشف الاسرار و... تفاسیر دیگر، سخن فراوان گفته اند. و کتابهای مستقلی نیز در این زمینه نوشته شده

است؛ از جمله برزخ و شفاعت، تألیف سید علی اکبر قریشی، کتاب شفاعت، تألیف علامه

مصطفوی، اسلام و مسئله ی شفاعت، تألیف هاشم هاشم زاده هریری و... و مطالب زیادی در قالب

مقالات در این موضوع به رشته تحریر در آمده است.

### سوالات اصلی و فرعی:

و سوالات اصلی و فرعی که در این رساله باید پاسخ بدهیم به شرح ذیل می باشد؛

سؤال اصلی :

۱- دیدگاه فریقین در موضوع شفاعت چیست؟

۲- آیا همه فرق اسلامی اصل شفاعت را قبول دارند؟

سؤالات فرعی:

۱- آیا با ادله ی اربعه (یا منابع چهارگانه ی اجتهاد می توان شفاعت را ثابت کرد؟

۲- دیدگاه امامیه، اهل سنت، اشاعره، معتزله، سلفیه، ابن تیمیه، وهابیت، در موضوع شفاعت چیست؟

۳- چه شبهاتی در رابطه با شفاعت مطرح بوده و جوابهای قانع کننده چیست؟

فرضیه تحقیق :

شفاعت از دیدگاه قرآن و روایات یک امر مشروع و جزو اعتقادات مسلمین است .

روش تحقیق :

روش تحقیق کتابخانه ای بوده ، البته اساسا کتابخانه ای می باشد و گاه نیازمند به مراجع سیر تاریخی و

توصیف خواهیم شد . و نوعا از منابع دست اول استفاده شده است

## فصل اول:

### مفاهيم و کلیات

## ۱- واژه شناسی

## الف) شفاعت در لغت

کلمه‌ی "شفاعت" در لغت به معنی میانجیگری، پامیانایی، خواهشگری - استدعای عفو و بخشش است از ریشه آن واژه (شَفَع) به معنی جفت در مقابل (وَتَرَ) به معنای تک و تنها گرفته شده است. شفیع اسم فاعل به معنای خواهشگر، شفاعت کننده، جفت کننده می‌باشد و شافع به معنای معین و ناصر شفاء جمع شفیع - الْمُشَفَّعُ کسی که شفاعت را قبول می‌کند و الْمُشَفَّعُ کسی که شفاعت او قبول می‌شود.

می‌گویند "شفاعت لی الاشباح"، یعنی یک شخص را دو دیدم. شفع الشیخ شفعاً، یعنی -نفت کرد او را عین شافعة، یعنی چشمی که یکی را دو تا ببیند. ناقه شَفوع، یعنی ماده شتری که در یک دوشیدن بقدر دو دفعه دوشیدن شیر دهد. قِلَیس شَفیع، یعنی فرشته پشیمان.<sup>۱</sup> شفعه الضحی، یعنی دو رکعت ظهر. در حدیث می‌فرماید:

«من حافظ علی شفعه الطحی غُفِرَ لَهُ ذنوبه»<sup>۲</sup>

«هر کس به دو رکعت ظهر مواظبت نماید گناهان او بخشیده می‌شود.»

در قرآن نیز می‌فرماید: «و الشفع و الوتر»<sup>۳</sup> «قسم به جفت و تک.»

«مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلِيَّ كُلِّ شَيْءٍ

مُتِمِّتًا»<sup>۴</sup> «هر کس شفاعت پسندیده کند، برای وی از آن نصیبی خواهد بود و هر کس شفاعت ناپسندیده‌ای کند، برای او

از آن [نیز] سهمی خواهد بود. و خدا همواره به هر چیزی تواناست.»

<sup>۱</sup> - (( فرهنگ سیاح ))، ج ۲، ص ۸۷۳، ۱۴۷.

<sup>۲</sup> - (( لسان العرب ))، ج ۸، ص ۱۸۳.

<sup>۳</sup> - سوره فجر: آیه ۳.

<sup>۴</sup> - سوره نساء: آیه ۸۵.

ابو الهیثم در تفسیر آیه فوق گفته: « مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً أَيْ يَزِدَادُ عِلْمًا إِلَى عَمَلٍ »

یعنی عملی را بر عمل دیگر اضافه کند.<sup>۱</sup>

و در معنای آیه‌ی شریفه گفته شده:

( مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً ) معنای من يصلح بین اثنین یکن له جزء منها، ( وَ مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً ) ای یشی بالنمیمه

مثلاً (ای یکن له کفل منها) ای اثم منها، یعنی شفاعت حسنه اصلاح بین مومنین و شفاعت سیئه افساد بین آنان است.<sup>۲</sup>

علت اینکه به وساطت شخصی برای نجات گناهکار (شفاعت) گفته می‌شود، این است که مقام و موقعیت شفیع

و نیروی تاثیر او به ضمیمه عوامل نجاتی که در وجود شفاعت شونده است هر دو به کمک هم، موجب

خلاصی شخص گناهکار می‌گردند.

#### ب) شفاعت در اصطلاح

[۱. شفاعت یعنی واسطه شدن اولیای الهی از روی مقام و موقعیتی که در پیشگاه خداوند دارند برای

نجات گناهکاران تا مشمول رحمت خداوندی قرار گیرند.

۲. شفاعت بهره گرفتن شایستگان و صالحان از رحمت گسترده و مغفرت خداوند متعال در پرتو وساطت

اولیای الهی

۳. قرار گرفتن موجودی قویتر و برتر در کنار موجود ضعیف تر و کمک کردن به او برای پیمودن مراتب

کمال<sup>۲</sup>B

<sup>۱</sup> - (( لسان العرب ))، ج ۸، ص ۱۸۳.

<sup>۲</sup> - (( مجمع البحرين ))، ج ۴، ص ۳۵۳.

<sup>۳</sup> - « پیام قرآن »، ج ۶، ص ۵۲۰.

۴. شفاعت همان کمک کردن اولیای خداست با اذن خدا، به افرادی که در عین گناهکار بودن پیوند

ایمانی خود را با خداوند، و پیوند معنوی خویش را با اولیاء خدا قطع نکرده اند.<sup>۱</sup>

شفاعت عبارت است از ضمیمه شدن استعداد ناقص کسی که نیاز به شفاعت دارد با دعا، و درخواست

شفیع و واسطه که در نتیجه شخصی شفاعت شده ارتقایی مقام پیدا کرده و یا از عقوبت و عذاب رهایی

می‌یابد در اصطلاح شرعی و مذهبی شفاعت در آن جا مطرح می‌شود که شخصی در نزد خداوند برای

دیگری طلب مغفرت و آمرزش نماید و یا بخواهد عقابی که در اثر گناه متوجه نفس گناهکار شده از او

برداشته شود و یا تخفیف یابد.

در این حال، شخص گناهکار، شفاعت شونده و ذات مقدس پروردگار پذیرنده شفاعت خواهد بود

شفاعت به معنای مذکور از مسلمات دین مبین اسلام به شمار می‌رود و در این زمینه علاوه بر آیات متعدد

قرآنی، روایات فراوانی از طریق شیعه و سنی از رسول اکرم (ص) نقل گردیده است.

شاید به جرأت بتوان گفت که از همه ائمه معصومین در زمینه شفاعت روایت داریم و این روایات

هرگونه ابهام و شک و تردیدی را در زمینه شفاعت از بین می‌برد و موجبات یقین را برای حقیقت جویان

با انصاف فراهم می‌سازد.

<sup>۱</sup> - ۵ منشور جاوید، ج ۸، ص ۳

## ۲- اقسام شفاعت

### الف- شفاعت تکوینی

در امور تکوینی :

شفاعت در جهان آفرینش و تکوین بدین معنی است که نیروهای قوی تر این جهان به نیروهای ضعیف تر ضمیمه می شوند و آنها را در مسیر کمال و اهداف خلقت، به پیش می برند: آفتاب می تابد و باران می بارد و بذرها را در دل زمین آماده می سازد تا استعدادهای درونی آنها به فعلیت برسد و جوانه های حیات از دانه ها و از زیر خاک بیرون آید و این خود نوعی شفاعت است، زیرا نیرویی به نیرویی دیگر ضمیمه می شود تا راه برای تکامل نیروی ضعیفتر باز گردد. از سوی دیگر، تمامی اسباب و علل تکوینی به ذات باری تعالی منتهی می شوند و همه آنها وسایطی بین خداوند و جهان خلقت و هستی، برای نشر رحمت بی پایان و نعمت های بی شمار الهی هستند. با این بیان، همه علل و عوامل طبیعت، مجرای فیض خداوند می باشند و هر سببی، واسطه رساندن فیض و مسبب و معلولش است، پس هر سبب و علتی، شفیع و واسطه ای تکوینی در افاضه فیض وجود و نشر رحمت های الهی می باشد.

علل تکوینی مخلوق ذات باری تعالی هستند و از خود هیچ گونه استقلال وجودی ندارند، وجود آنها از اوست و از صفات عالیه پروردگار استمداد می جویند و در حقیقت منشأ نشر رحمت و فیض وجود، صفات عالی پروردگار از جمله حیات، خالقیت، رازقیت و رحمانیت خداوند است که منشأ حیات، رزق، خلق و غیر آن می شود.

به عبارت دیگر، فیوضات الهی از صفات عالی سرازیر شده و از مجرای اسباب و علل، انواع نعمتها و رحمتها به مواردی که قابلیت این فیوضات را دارند می رسد. بنا بر این شفیع حقیقی در رسیدن فیض

وجود و نشر و گسترش رحمت و نعمتهای ذات باری تعالی است و شفیع مطلق، اوست. خداوند است که اسباب و علل را ایجاد نموده و آنها را واسطه در رسیدن فیض وجود و رحمت و اسعه اش قرار داده است.<sup>۱</sup>

بنابراین اگر موجودی غیر از خداوند، شفیع قرار گیرد و شفاعت نماید، چه در مرحله تکوین و چه در مرحله مغفرت و آمرزش اخروی، همه به اذن او و برانگیخته شده از ناحیه اوست. در صحیفه سجادیه چنین می خوانیم:

«اللهم صل علی محمد و آل محمد و شفیع فی خطای یای کرمک،... و لا شفیع لی الیک فلیشفع لی فضلک»<sup>۲</sup>

«خداوند بر محمد و آل محمد درود فرست و در خطاهای من، کرم خویش را شفیع قرار ده، خدایا من شفیع نزد تو ندارم، پس فضل تو باید برای من شفاعت نماید.»

#### ب- شفاعت تشریحی

آنچه در مورد شفاعت توضیح داده شد در جهان تکوین (منظور این دنیا و مسأله آفرینش است) علاوه بر عالم تشریح نیز فراوان دیده می شود، نیروهای قویتر این جهان به نیروهای ضعیف تر ضمیمه شده و آنها را در مسیر هدفهای سازنده پیش می برند؛ آفتاب می بارد و بذرها را در دل زمین آمده می سازند. تا استعدادهای درونی خود را به کار گیرند (تا به وضع قابل قبولی برسند) و نخستین جوانه های حیات را بیرون فرستند، پوست دانه ها را بشکافند و از ظلمتکده خاک سر بر آورده و به سوی آسمان که از آن نیرو گرفته اند پیش روند، به سوی شفیع که شفاعتشان کرده است. این صحنه ها در حقیقت یک نوع شفاعت تکوینی در رستاخیز زندگی و حیات است و با اقتباس از این الگو در عالم تکوینی نوعی از شفاعت در عالم تشریحی را می یابیم راه مستقیمی که برای درک مسأله شفاعت برایمان گشوده می شود.

<sup>۱</sup> - طاهری خرم آبادی، سید حسن، «شفاعت»، ص ۱۰۴

<sup>۲</sup> - صحیفه سجادیه: دعای ۳۱، فراز ۲۵ و ۲۶



در هر جامعه و بین هر عبد و مولایی، دو نوع مقررات وجود دارد: یکی قوانین و مقرراتی که جامعه موظف است که به آنها عمل نماید و در برابر آنها مسئول است و دیگری کیفرها و پاداشها برای تخلف و یا عمل به آن مقررات است، لذا در کنار هر قانونی، جریمه تخلف از آن قانون و گاهی هم پاداش و جایزه‌های تشویقی برای عاملین به آن قرار داده می‌شود. البته در قوانین بشری جز در بعضی از موارد نادر، پاداش و جایزه مطرح نیست ولی در قوانین الهی هم وعده ثواب و پاداش و هم کیفر مجازات در کنار یکدیگر مطرح شده‌اند.

خداوند برای سعادت و کمال انسانها دو چیز قرار داده است: یکی اصل حکم و قانون و دیگری مجازات در مقابل تخلف از قانون و یا پاداش در مقابل عمل به آن؛ برای رسیدن به سعادت و نیل به کمال انسانی و یا به تعبیر دیگر برخورداری از ثوابهای اخروی و نجات از مجازاتهای الهی، راه عاقلانه و صحیح آن است که به دستورهای الهی عمل می‌شود و از پیامبران و رهبران الهی که واسطه ابلاغ این احکام و قوانین آسمانی هستند تبعیت گردد و کسانی که از رهبران الهی پیروی نموده و قوانین و دستورهای الهی را عمل کنند قهرا به ثوابها، پاداشها و کمالات مادی و معنوی نایل می‌گردند و از کیفرها و مجازاتهای تخلف از احکام و قوانین مصون خواهند ماند.<sup>۱</sup>

نکته مهم دیگر این است که پاداشها و آثار اعمال، مخصوص به جهان آخرت نیست بلکه پاره ای از اعمال و دستورهای الهی، آثار خوب یا بد خود را در این عالم نیز نشان خواهند داد؛ یعنی علاوه بر مجازات یا پاداشی که معصیت یا اطاعت در جهان آخرت در پی دارد، در این جهان نیز آثار خوب یا بدی را به همراه خواهد داشت.

<sup>۱</sup> - طاهری خرم آبادی، سیدحسن، «شفاعت»، ص ۱۰۶

تبعیت از رهبران الهی و عمل به وظایف و دستوره‌های آسمانی نیز نوعی شفاعت است که در صورت ضمیمه شدن به انسان، موجب نیل به سعادت و کمال انسانی گشته و انسان را از مجازات‌ها محفوظ میدارد و به پاداشها و رسیدن به رضوان الهی منتهی می‌گردد.

این قسم از شفاعت را می‌توان شفاعت تشریحی نیز نامید، زیرا تشریح و قانون‌گذاری است که شفیع و واسطه رسیدن انسان به کمالات و سعادت دنیوی و اخروی شده است.

همچنین میتوان آن را شفاعت عمل نامید، زیرا عمل ضمیمه و شفیع انسان شده و او را از عذاب و مجازات‌ها رها گشته و به ثواب و پاداش عمل می‌رسد.<sup>۱</sup>

در روایات نیز گاهی کلمه « شفیع » بر اطاعت خداوند اطلاق شده است؛ چنانکه در نهج البلاغه

امیرالمومنین (ع) می‌خوانیم:

« فاجعلوا طاعه الله... شفيعا »؛

« اطاعت خداوند را شفیع قرار دهید. »<sup>۲</sup>

بنابراین، اطاعت خدا خودش شفیع است و انسان به واسطه اطاعت خداوند به کمالات و سعادت می‌رسد. شایسته آن است خواهد رسید.

تعبیر « شفیع » در مورد قرآن کریم نیز بکار رفته است و شفاعت قرآن این گونه است که وقتی جامعه‌ای و یا شخصی به قرآن عمل کرد، عمل به قرآن در روز قیامت برای او شفیع و واسطه است. این مطلب در روایات به عبارات مختلفی بیان شده است، از جمله:

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۰۷.

<sup>۲</sup> - نهج البلاغه، صبحی صالح، خ ۱۹۸.

« الشفعاء خمسة: القران والراحم والامانه ونبیکم واهل نبیکم »<sup>۱</sup>

« شفاعت کنندگان پنج گروه هستند: قرآن، خویشاوندان، امانتداری، پیامبر شما و اهل بیت پیامبر شما.

امام علی (ع) در باره قرآن کریم نیز می فرماید: « اِنَّهُ شَافِعٌ مُّشَفَّعٌ وَ قَاتِلٌ مُّصَدِّقٌ وَ اَنَّهُ مِنْ شَفَعَةِ لَهُ

الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفَّعَ فِيهِ »<sup>۲</sup>

لازم به توضیح است، که در لسان عامه دو نوع شفاعت دیگر داریم، شفاعت باطل یا (تحریف شده)

و شفاعت صحیح یا (سازنده) که به اختصار به شرح ذیل می باشد:

### ج- شفاعت باطل

شفاعت در لسان عامه به این گفته می شود که شخص شفیع از موقعیت و شخصیت و نفوذ خود استفاده کرده و نظر صاحب قدرت را بی هیچ حساب و کتابی استفاده از نفوذ خود یا وحشتی که از نفوذ او دارند و زمانی با پیش کشیدن مسایل عاطفی و تحت تأثیر قرار دادن عواطف طرف و زمان دیگری با تغییر دادن مبانی فکری او درباره گناه مجرم و استحقاق او و مانند اینها... در یک کلام در شفاعت غلط و باطل مجرم از طریق پول و پارتی و زور می خواهد بر قانون چیره شود. قوانین و سستیهای الهی لا یتغیر است و کسی جرأت آن را ندارد که در آن تغییر ایجاد نماید. « قَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا »<sup>۳</sup> و شفاعت نیز از جمله قوانین و احکام الهی است که هیچ کس نمی تواند در آن نفوذ کند و از طریق شیوهای غلط از آن استفاده نماید، اختیار شفاعت در ید قدرت لا یزال الهی قرار دارد.

<sup>۱</sup> - بحار الانوار، ج ۸، ص ۴۳

<sup>۲</sup> - سوره فاطر: آیه ۴۳.

<sup>۳</sup> - نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

(لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا)<sup>۱</sup> و اوست که می تواند آن را به اولیاء مقرب خود تملیک نموده و اجازه استفاده به آنها بدهد و الا بدون فرمان و اجازه او کسی قدرت بر شفاعت ندارد و نمی تواند از آن استفاده نماید. از جمله شفاعتهای مردود و باطل، شفاعت مورد نظر بت پرستان و اقوام یهود و مسیح است که خداوند در قرآن مجید به بطلان آنها تصریح فرموده است. زیرا شفاعت مورد نظر آنان به شرک در ربوبیت می انجامد و به شرک منتهی می شود.

اعراب جاهلیت و بت پرست‌ها در باره بت‌هایی که می پرستیدند، می گفتند که آفرینش به طور انحصاری در دست خدا است و کسی با او در این کار شریک نیست، ولی در اداره جهان بتها با او شرک دارند. یعنی شرک آنان شرک در خالقیت نبود بلکه شرک در ربوبیت داشتند و می گفتند که:

(هولاء شفاعنا عند الله)<sup>۲</sup>

(بتها را ما عبادت می کنیم به خاطر اینکه آنها شیعیان ما در پیشگاه خدا هستند.)

و آیات متعدد که بطلان عقائد بت پرست‌ها که قوم یهود و مسیح به خاطر شرک در ربوبیت راتبین می کند که ما به این مقدار بسنده کردیم.

اگر از مسلمانان نیز کسی پیدا شود و معتقد باشد که به عنوان مثال پیامبر و ائمه (علیهم السلام) در بارگاه الهی متنفذ هستند و می توانند با نفوذ خود اراده و قانون او را تغییر دهند. یعنی برای غیر خدا سلطنتی در مقابل او قائل باشند، این نیز مانند اعتقاد اعراب جاهلی شرک در ربوبیت است که البته چنین اعتقادی در بین مسلمانان وجود ندارد. بلکه همه آنان معتقدند که سلطنت به شفاعت به طور انحصاری در اختیار خداست و هیچ کس بدون اذن و رضایت او نمی تواند تأثیر گذار بوده و شفاعت نماید و او می تواند به هر کسی که اراده فرماید اذن شفاعت دهد.

<sup>۱</sup> - سوره زمر: آیه ۴۴

<sup>۲</sup> - یونس: آیه ۱۸.

## د- شفاعت سازنده و صحیح

بطور خلاصه شفاعت طبق این معنی هیچگونه دگرگونی در روحيات و فکر مجرم یا متهم ایجاد نمی‌کند تمام تأثیرها و دگرگونیها مربوط به شخصی است که شفاعت نزد او می‌شود این شفاعت در بحثهای مذهبی مطلقاً معنی ندارد زیرا نه خداوند (نعوذ بالله) اشتباهی می‌کند که بتوان نظر او را عوض کرد و نه عواطفی به این معنی در انسان است که بتوان آنرا برانگیخت و نه از نفوذ کسی ملاحظه می‌کند و وحشتی دارد و نه پاداش و کیفرش بر محوری غیر از عدالت دور می‌زند.

می‌توان گفت شفاعت بر محور دگرگونی و تغییر موضع "شفاعت شونده" صورت می‌گیرد یعنی شفاعت شونده موجباتی را فراهم میکند که از یک وضع نامطلوب و در خور کیفر بیرون آمده و به وسیله ارتباط با شفیع خود را در وضع قابل قبولی قرار می‌دهد که شایسته بخشودگی گردد و همانطور که خواهیم دید ایمان به این نوع شفاعت در واقع یک مکتب عالی تربیتی و وسیله اصلاح افراد گناهکار و آلوده و بیداری و آگاهی است؛ این چیزی نیست جز "شفاعت صحیح" که شفاعت شونده به اشاره خداوند مورد شفاعت قرار می‌گیرد «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى...»<sup>۱</sup>؛ و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد شفاعت نمی‌کنند ( فلذا مسئله شفاعت در آخرت نتیجه هدایت در دنیا است. شفاعت در منطق اسلام از نوع اخیر است که بیان شد.

تمام ایرادها، خرده گیریها و حمله‌ها همه متوجه تفسیر اول شفاعت می‌شود، نه مفهوم دوم که یک معنی منطقی و معقول و سازنده است؛ به بیانی دیگر آنچه گفته شد تفسیر اجمالی شفاعت در دو شکل "تخدیری" (شفاعت تحریف شده) و "سازنده" آن بود.

<sup>۱</sup> - سوره انبیاء : آیه ۲۸

### ۴- شفاعت از نگاه قرآن

بدون شک مجازاتهای الهی چه در این جهان و چه در قیامت جنبه انتقامی ندارد، بلکه هدیه آنها در حقیقت ضامن اجرایی برای اطاعت از قوانین و در نتیجه پیشرفت و تکامل انسانها است، بنا بر این هر چیزی که این ضمانت اجرایی را تضعیف کند باید از آن احتراز جست تا جرات و جسارت بر گناه در مردم پیدا نشود. از سوی دیگر نباید راه بازگشت و اصلاح را بکلی بر روی گناهکاران بست بلکه باید به آنها امکان داد که خود را اصلاح کنند و به سوی خدا و پاکی تقوا باز گردند.

"شفاعت" در معنی صحیحش برای حفظ همین تعادل است، و وسیله‌ای است برای بازگشت گناهکاران و آلودگان، و در معنی غلط و نادرستش موجب تشویق و جرات بر گناه است. با این مقدمه به سراغ آیات شفاعت می‌رویم.

چراکه طریقی بهتر از طریق قرآن برای درک مسأله شفاعت نمی‌باشد و لذا در این قسمت رساله به بررسی آیات مربوط به موضوع، که در تفاسیر مختلف تبیین شده است می‌پردازیم:

#### الف) آیات شفاعت

با محوریت آیه‌ها و روایات تفسیری:

در قرآن درباره "شفاعت" (به این عنوان) در حدود سی آیه آمده است و بحث‌ها و اشارات دیگری نیز به این مسأله با عناوین دیگر دیده می‌شود.

۱- ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْتَرِقُونَ﴾<sup>۱</sup>

"میداند خدا آنچه را که در پیش رو و هر چه را که در پشت سر ایشان است (گذشته و آینده کردار ایشان بر خدا پوشیده نیست) و شفاعت نمی‌کنند مگر برای کسی که خدا پسندیده باشد، (و به شرك و كفر خود را آلوده نکرده باشد) و ایشان از

۱- سوره نساء: آیه ۴۸.

مهابت پروردگار ترسانند). جمله " وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى "، مسأله شفاعت ملائکه برای غیر ملائکه را

متعرض است، و این مسأله‌ای است که خیلی مورد توجه و اعتقاد بت پرستان است، که می‌گفتند

( هُوَ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى )، اینها پارتی‌های ما در درگاه خدایند

و یا می‌گفتند:

( إِنَّمَا تَعْبُدُهُمْ لِتَقْرَبُوا إِلَيَّ اللَّهُ زُلْفَىٰ ) اگر اینها را می‌پرستیم برای این است که ما را به خدا نزدیک می‌کند.

خدای تعالی در جمله مورد بحث اعتقاد آنان را رد نموده، می‌فرماید: ملائکه هر کسی را شفاعت نمی‌کنند،

تنها کسانی را شفاعت می‌کنند که دارای ارتضاء باشند، و ارتضاء به معنای داشتن دینی صحیح و مورد

رضای خدا است، چون خودش فرموده: " إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ " پس ایمان به

خدا بدون شرک، ارتضایی است، که وثنی‌ها آن را ندارند، چون مشرکند، و از جمله عجائب امر ایشان این

است که خود ملائکه را شریک خدا می‌گیرند، ملائکه‌ای که شفاعت نمی‌کنند مگر غیر مشرکین را.<sup>۲</sup>

۲- ( إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ

إِذْنِهِ ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۳﴾

"همان پروردگار شما خدایی است که آسمانها وزمین را در شش روز آفرید سپس (به دانش بی‌انتهایش) بر عرش (و همه

موجودات) چیره گشت و هر کاری را (مطابق حکمت و مصلحت) تنظیم می‌فرماید. هیچ کس شفیع و واسطه نخواهد مگر به

اذن و رخصت او آن خدای (واجد این صفات) پروردگار شماس. پس اورا بپرستید آیا پند نمی‌گیرید."

۱- سوره نساء: آیه ۴۸.

۲- المیزان، ج ۱۴، ص ۴۱۸.

۳- سوره یونس: آیه ۳.

۳- ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ

الظَّالِمُونَ ﴿۱﴾

(ای کسانی که ایمان آورده اید از آنچه را که روزی شما کرده ایم (در راه خدا) بدهید پیش از آنکه بیاید روزی که نه دادوستد در آن روز است و نه دوستی و شفاعتی و کافران ستمکارانند (به نفس خود ستم کرده اند) سپس می‌افزاید: امروز که توانایی دارید انفاق کنید<sup>۱</sup> پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه خرید و فروش در آن است و نه رابطه‌ی دوستی و نه شفاعت<sup>۲</sup>) (مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ).

اشاره به اینکه راه‌های نجاتی که در دنیا از طرق مادی وجود دارد هیچکدام در آنجا نیست، نه بیع و معامله‌ای می‌توانید انجام دهید که سعادت و نجات از عذاب را برای خود بخرید و نه دوستیهای مادی این جهان که با سرمایه‌های خود کسب می‌کنید در آنجا نفعی به حال شما دارد زیرا آنها نیز به نوبه خود گرفتار اعمال خویش‌اند و از خود به دیگری نمی‌پردازند و نه شفاعت در آنجا به حال شما سودی دارد زیرا شفاعت‌های مادی که با مال و ثروت در این دنیا قابل بدست آوردن است در آنجا وجود نخواهد داشت. بنا بر این شما با ترک انفاق و انباشتن اموال و بخل نسبت به دیگران تمام درهای نجات را به روی خود بسته‌اید.<sup>۳</sup>

۴- (يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ﴿۲﴾)

در آن روز (قیامت): شفاعت هیچ کس سودی نبخشد. مگر کسی را که خداوند رحمان به او رخصت شفاعت

داده. و سخنش پسند او می‌باشد. (مانند انبیاء و اولیاء علیهم السلام و مومنان)

(يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا).

<sup>۱</sup> - سوره بقره: آیه ۲۵۴.

<sup>۲</sup> - السبزان، ج ۲، ص ۶۹ و ۷۰ و ۷۱.

<sup>۳</sup> - سوره طه: آیه ۱۰۹.



اشاره به اینکه: شفاعت در آنجا بی حساب نیست، بلکه برنامه دقیقی دارد هم در مورد شفاعت کننده، و هم در مورد شفاعت شونده، و تا استحقاق و شایستگی در افراد برای شفاعت شدن وجود نداشته باشد، شفاعت معنی ندارد.

حقیقت این است که گروهی پندارهای غلطی از شفاعت دارند و آن را بی شباهت به پارتی بازیهای دنیا نمی دانند، در حالی که شفاعت از نظر منطق اسلام یک کلاس عالی تربیت است، درسی است برای آنها که راه حق را با پای تلاش و کوشش می پیمایند، ولی احیاناً گرفتار کمبودها و لغزشها می شوند، این لغزشها ممکن است گرد و غبار یاس و نومیدی بر دلهاشان بیاشد، در اینجا است که شفاعت به عنوان یک نیروی محرک به سراغ آنها می آید و می گوید: مایوس نشوید و راه حق را هم چنان ادامه دهید و دست از تلاش و کوشش در این راه برندارید، و اگر لغزشی از شما سر زده است شفیعانی هستند که به اجازه خداوند رحمان که رحمت عامش همگان را فرا گرفته از شما شفاعت می کنند.<sup>۱</sup>

نکته دیگر اینکه شفاعت، دعوت به تنبلی، یا فرار از زیر بار مسئولیت، و یا چراغ سبز در برابر ارتکاب گناه نیست، شفاعت دعوت به استقامت در راه حق و تقلیل گناه است.<sup>۲</sup>

در رابطه با این آیه از امام علی علیه السلام سوال شد، فرمودند؛ أما قوله: «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا يَخْلُمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا لَا يَحِيطُ الْخَلَائِقُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَمَا، إِذْ هُوَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ عَلِيَّ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ الْغَطَاءِ، فَلَا فَهْمَ يَنَالُهُ بِالْكَيفِ، وَلَا قَلْبَ يَثْبُتُهُ بِالْحُدُودِ، فَلَا تَصْفَهُ إِلَّا كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمَصُوِّرُ خَلَقَ الْاَشْيَاءَ فَلَيْسَ مِنَ الْاَشْيَاءِ شَيْءٌ مِثْلُهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> -الميزان، ج ۱۴، ص ۳۲۱.  
<sup>۲</sup> «تفسیر نمونه»، ج ۱۴، ص ۳۰۵.  
<sup>۳</sup> -نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۹۵.

و در حدیثی دیگر : عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (ع) قَالَ سَمِعْتُ أَبِي ع يَقُولُ وَ رَجُلٌ يَسْأَلُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا قَالَ لَا يَبَالُ شَفَاعَةُ مُحَمَّدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ بِطَاعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا وَ عَمَلًا فِيهِمْ فَحَبِيَّ عَلِيٍّ مَوَدِّيَّهُمْ وَ مَاتَ عَلَيْهَا فَرَضِيَ اللَّهُ قَوْلَهُ وَ عَمَلَهُ فِيهِمْ ثُمَّ قَالَ وَ عَنَّتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا لِآلِ مُحَمَّدٍ كَذَا نَزَلَتْ<sup>۱</sup>.

۵- ﴿وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup>.. (وآنان که غیر از خدای یکتا را می خوانند. توانا بر شفاعت کسی نیستند. مگر کسانی که بدانند. و به حق گواهی دهند: که شفاعت ایشان پذیرفته خواهد شد.

در ذیل آیه فوق نیز احادیث متعددی آمده که به چند مورد اشاره می کنیم:

فی تفسیر علی بن ابراهیم و قال علی بن ابراهیم رحمه الله فی قوله عز و جل:

وَ لَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ قَالَ: هم الذين عبدوا في الدنيا لا يملكون الشفاعة لمن عبدهم. قال عز من قائل: إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ.

ابطال عقیده‌ی شرک و سرانجام تلخ مشرکان است، و با دلایل دیگری بطلان اعتقاد آنها را آشکار می‌سازد، نخست می‌فرماید: اگر آنها به گمان شفاعت به سراغ این معبودان می‌روند باید بدانند که "معبودانی که آنها غیر از خدا می‌خوانند مالک و قادر بر هیچگونه شفاعتی نیستند" (وَ لَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ).

"شفاعت" در پیشگاه خداوند تنها به اذن و فرمان او است، و خداوند حکیم هرگز چنین اذن و فرمانی

را به این سنگ و چوبهای بی‌ارزش و فاقد عقل و شعور نداده است. ولی از آنجا که در میان معبودان آنها

<sup>۱</sup> - بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۴، ۲۵۸

<sup>۲</sup> - سوره الزخرف: آیه ۸۶

فرشتگان و مانند آنان وجود داشتند در ذیل آیه آنها را استثنا کرده می‌فرماید: " مگر کسانی که شهادت به

حق داده‌اند" (إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ).

همانها که توحید و یگانگی خدا را در تمام مراحل پذیرفته‌اند و در برابر حق به طور کامل تسلیم اند،

آری این گروه به اذن پروردگار مالک شفاعتند.

ولی چنان نیست که آنها برای هر کس، هر چند بت‌پرست و مشرک و منحرف از آئین توحید باشد

شفاعت کنند، بلکه " آنها به خوبی می‌دانند برای چه کسی اجازه شفاعت دارند" (وَهُمْ يَعْلَمُونَ).

به این ترتیب امید آنها را از شفاعت فرشتگان به دو دلیل قطع می‌کند:

نخست اینکه آنها خود شهادت به وحدانیت خدا می‌دهند، و به همین دلیل اجازه شفاعت پیدا کرده‌اند،

و دیگر اینکه آنها محل و مورد شایسته شفاعت را به خوبی می‌شناسند.

طبق این تفسیر استثنای «إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ» استثنای متصل است، ولی اگر منظور از جمله الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ

دُونِهِ الشَّفَاعَةَ خصوص بتها باشد " استثنا منقطع" می‌شود، ولی معنی اول مخصوصا با توجه به "الذین" که برای

عاقل، یا تغلیبی از عاقل و غیر عاقل است مناسبتر به نظر می‌رسد<sup>۱</sup>

فی تفسیر علی بن ابراهیم حدثنا جعفر بن أحمد عن عبد الله بن موسی عن الحسن بن علی بن اَبی

حمزة عن اَبیه عن اَبی بصیر عن اَبی عبد الله علیه السلام فی قوله عز و جل:

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا قَالَ: لَا يَشْفَعُ وَلَا يَشْفَعُ لَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ «إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ

الرَّحْمَنِ عَهْدًا» الا من اذن له بولاية أمير المؤمنين و الائمة من بعده صلوات الله عليه و عليهم فهو العهد عند الله.

<sup>۱</sup> - «تفسیر نور الثقلین»، ج ۳، ص ۳۴۲.

و دیگر اینکه: «لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» اشاره به عهد میت و وصیه که برهر مسلمانی واجب است سخن می گوید، فهذا عهد الميت و الوصية حق علي كل مسلم أن يحفظ هذه الوصية و يتعلمها، و امام علی(ع) در این راستا می فرماید:

علمنيها رسول الله صلى الله عليه و آله، و قال: علمنيها جبرئيل(ع)<sup>۱</sup>

و نیز در مورد این آیه در اصول کافی ابی بصیراز امام صادق(علیه السلام) نقل می کند:

قلت: قوله: لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا قَالَ إِلَّا مَنْ دَانَ اللَّهَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةِ بَيْنَ بَعْدِهِ فَهُوَ الْعَهْدُ عِنْدَ اللَّهِ قُلْتُ قَوْلُهُ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وِدًّا قَالَ وَ لَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ هِيَ الْوُدُّ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى قُلْتُ فَإِنَّمَا يَسْرِنَاهُ بِلِسَانِكَ لِيُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا قَالَ إِنَّمَا يَسْرَهُ اللَّهُ عَلَي لِسَانِهِ حِينَ أَقَامَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) عَلِمًا فَبَشَّرَ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْذَرَ بِهِ الْكَافِرِينَ وَ هُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ<sup>۲</sup>

در توصیف دیگر می فرماید: " و نه شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود " (و لَا شَفِيعٌ يُطَاعُ). چرا که شفاعت شافعان راستین مانند انبیا و اولیاء نیز به اذن پروردگار است، و به این ترتیب قلم بطلان بر پندار بت پرستان که بتها را شفعايي خود در پیشگاه خدا می دانستند می کشد<sup>۳</sup>

پس می توان فهمید اولاً آیه شریفه درصدد:

(۱) ابطال عقیده شرک و سرانجام تلخ مشرکان است.

(۲) شفاعت<sup>۴</sup> در پیشگاه خداوند تنها به اذن و فرمان او است و در آیه آنها (ملائکد) را استثنا کرده

می فرماید: " مگر کسانی که شهادت به حق داده اند " (إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ).

<sup>۱</sup> - تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۱۳۶.

<sup>۲</sup> - اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۲.

<sup>۳</sup> - تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۵۵.

۳) توحید و یگانگی خدا را در تمام مراحل پذیرفته‌اند و در برابر حق به طور کامل تسلیمند، آری این گروه به اذن

پروردگار مالك شفاعتند

۶- ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾<sup>۱</sup>

(کیست آن کس که نزد خداوند شفاعت "گنه کاران" بنماید. مگر به رخصت و فرمان او) اینکه او مالك آنچه در آسمانها و زمین است می‌باشد و اینکه کسی بدون اذن او حق شفاعت در درگاه او ندارد.

در ذکر این صفات رعایت ترتیب شده است، نخست وحدانیت خدا در الوهیت آمده، و بعد قیومیت او، چون قیومیت بدون توحید تمام نمی‌شود، و سپس مساله مالکیت او نسبت به آسمانها و زمین را آورد تا تمامیت قیومیت او را برساند، چون قیومیت وقتی تمام است که صاحب آن مالك حقیقی آسمانها و زمین و موجودات بین آن دو باشد و در دو جمله اخیر یعنی مالکیت آسمانها و زمین، و مساله شفاعت، برای هر یک دنباله‌ای آورده که اگر قید نباشد چیزی شبیه قید است تا به وسیله این دنباله‌ها توهمی را که ممکن است بشود دفع کرده باشد، برای مساله مالکیت یعنی جمله "لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ" جمله: "يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ" را، و برای جمله: "مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ" جمله: "وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ" را آورد.<sup>۲</sup>

۷- ( لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا )<sup>۳</sup>

(روز قیامت هیچ کس مالك شفاعت نمی‌باشد. مگر کسی که پیمانی نزد خداوند دارد) و ایزد تعالی به وی وعده شفاعت

داده باشد. مانند انبیاء و اولیاء علیهم السلام و مومنین صالح)

<sup>۱</sup> سبقره/۲۵۵.

<sup>۲</sup> تفسیر نمونه ج ۱۹، ص ۴۸۱.

<sup>۳</sup> سوره مریم: آیه ۸۷.

فی الکافی و تهذیب الأحکام مثل هذه الوصیة سواء در تفسیر جوامع الجامع ابن مسعود از پیامبر اسلام (ص) نقل می کند: که پیغمبر صلی الله علیه و آله روزی به اصحابش فرمود: آیا شما از این ناتوان هستید که هر روز صبح و شام عهدهی با خدا ببندید؟ اصحاب گفتند چگونه یا رسول الله؟ فرمود چنین بگویید:

اللهم فاطر السموات و الارض عالم الغیب و الشّهادة انی اعهد الیک بانی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک، و ان محمدا عبدک و رسولک و انک ان تکلنی الی نفسی تقرّبنی من الشرّ و تباعدنی من الخیر، و ان لا اتق الا برحمتک فاجعل لی عندک عهدا توفینیه یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد.

هر گاه کسی این کلمات را بگوید علامتی بر او زده شود و آن را در زیر عرش قرار دهند روز قیامت منادی ندا کند کجایند آنان که بر ایشان نزد خدا عهدهی است؟ و اینان داخل بهشت شوند.<sup>۱</sup>

۸- ﴿ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ﴾<sup>۲</sup>

(برای سستگران دوستی وجود ندارد. و نه شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود.)

<sup>۱</sup> - تفسیر جوامع الجامع ج ۴، ص ۶۳

<sup>۲</sup> - شافعی، ۱/۸.

چرا که شفاعت شافعان راستین مانند انبیا و اولیاء نیز به اذن پروردگار است، و به این ترتیب قلم بطلان بر پندار بت پرستان که بتها را شفعی خود در پیشگاه خدا می دانستند می کشد.

مفسرین شیعه و سنی در تفسیر این آیه روایات زیادی آورده اند که به خوبی موضوع شفاعت را حتی در مورد مرتکبین گناهان کبیره تبیین کرده و تنها کفار را از این تفضل الهی محروم می کند، که در این قسمت به موارد ذیل اشاره می شود:

در حدیثی از ابن ابی عمیر نقل شده که امام موسی بن جعفر (ع) می فرمود: «لا یخلد الله فی النار إلا أهل الكفر و الجحود و أهل الضلال و الشرك و من اجتنب الكبائر من المؤمنین لم یسأل عن الصغائر قال الله تبارک و تعالی (إِنَّ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ لَكَفَّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلُكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا)»<sup>۱</sup> قال فقلت له یا ابن رسول الله فالشفاعة لمن تجب من المذنبین قال حدثنی ابي عن آبائه عن علی ع قال سمعت رسول الله (ص) یقول إنما شفاعتی لاهل الكبائر من أمتی فأما المحسنون منهم فما علیهم من سیل قال ابی ابی «خداوند در آتش می خرد مگر اهل کفر و انکار و اهل گمراهی و شرک را و شخص مؤمنی که از گناهان کبیره اجتناب کند، در مورد گناهان صغیره باز خواست نمی شود، زیرا خدای تعالی می فرماید: اگر از گناهان کبیره ای که از آنها نهی شده اید اجتناب کنید، سیئات شما را می پوشانیم و شما را در جایگاهی نیکو وارد می سازیم، می گوید: به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند رسول خدا (ص) در این صورت چه کسانی مورد شفاعت قرار می گیرند؟ آن حضرت فرمود: پدرم از پدرانش، از علی (ع) برایم روایت کرد که رسول خدا (ص) فرمود: شفاعت من برای افرادی از امت من می باشد که مرتکب کبیره می شوند و اما نیکو کاران از امت من [که اهل کبیره هم نیستند] راهی [و دلیلی برای سخت گیری] بر آنان نیست. در اینجا حضرت مورد شفاعت را معین می فرمایند که آنها مرتکبین کبائر هستند.

به دنبال این پاسخ ابن ابی عمیر می پرسد:

يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَكَيْفَ تَكُونُ الشَّفَاعَةُ لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ وَاللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ وَلَا يَسْتَفْعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ حَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ وَمَنْ يَرْتَكِبُ الْكِبَائِرَ لَا يَكُونُ مُرْتَضِيًّا فَقَالَ يَا أَبَا أَحْمَدَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَرْتَكِبُ ذَنْبًا إِلَّا سَاءَ ذَلِكَ وَتَدِيمَ عَلَيْهِ وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ (ص) كَفَى بِاللَّذِمِ تَوْبَةٌ وَقَالَ مَنْ سَرَّهُ حَسَنَةٌ وَسَاءَ لَهُ سَيِّئَةٌ فَهُوَ مُؤْمِنٌ فَمَنْ لَمْ يَنْدَمْ عَلَيَّ ذَنْبٍ يَرْتَكِبُهُ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلَتَجِبَ لَهُ الشَّفَاعَةُ وَكَانَ ظَالِمًا وَاللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ (مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ)<sup>۱</sup>

(ای فرزند رسول خدا (ع) چگونه می شود که شفاعت شامل حال مرتکبین کبیره شود، در حالی که خدای تعالی می فرماید شفیعان شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که مورد رضایت باشد و از ترس (عقوبت الهی) خائف و نگران باشد. لذا کسی مرتکب کبائر می شود، نمی تواند مورد رضایت خداوند باشد؟ آن حضرت فرمود: ای ابا احمد (کنیه ابن ابی عمیر) هیچ مؤمنی نیست که مرتکب گناهی شود مگر اینکه از کاری که کرده است ناراحت و پشیمان می شود و پیامبر خدا (ع) هم فرمود: پشیمانی برای توبه کافی است. نیز فرمود: کسیکه کار نیکش او را خوشحال کند و کار زشتش او را ناراحت کند مؤمن نیست و شفاعت شامل او نخواهد شد و ظالم محسوب می شود و خدای تعالی نیز فرموده است: ظالمین نه دوست دلسوزی دارند و نه شفیعی که شفاعتش پذیرفته شود.

فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَيْفَ لَا يَكُونُ مُؤْمِنًا مَنْ لَمْ يَنْدَمْ عَلَيَّ ذَنْبٍ يَرْتَكِبُهُ فَقَالَ يَا أَبَا أَحْمَدَ مَا مِنْ أَحَدٍ يَرْتَكِبُ كَبِيرَةً مِنَ الْمَعَاصِي وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ سَيُعَاقَبُ عَلَيْهَا إِلَّا تَدِيمَ عَلَيَّ مَا ارْتَكَبَ وَ مَتَى تَدِيمَ كَانَ تَائِبًا مُسْتَحِقًّا لِشَفَاعَتِي وَ مَتَى لَمْ يَنْدَمْ عَلَيْهَا كَانَ مُصِرًّا وَ الْمَصِيرُ لَا يُغْفَرُ لَهُ لِأَنَّهُ غَيْرُ مُؤْمِنٍ بِعُقُوبَتِي مَا ارْتَكَبَ وَ لَوْ كَانَ مُؤْمِنًا بِالْعُقُوبَةِ لَنْدَمْ وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ (ص) لَا كَبِيرَةَ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ وَ لَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِصْرَارِ<sup>۲</sup>

(ای فرزند رسول خدا (ص) چگونه کسی که از گناهی که مرتکب شده پشیمان نمی شود مؤمن محسوب نمی گردد؟ آن حرت می فرماید: ای ابا احمد هیچ کسی نیست که مرتکب گناه کبیره ای شود و بداند که به زودی بر آن کار مورد عقاب و عذاب قرار می گیرد مگر این که از کاری که انجام داده پشیمان می شود و هنگامی که نادم شد، توبه کار

<sup>۱</sup> - توحید صدوق، ص ۴۰۷.

<sup>۲</sup> - همان مدرک.



محسوب می شود و مستحق شفاعت خواهد شد و اما اگر نادم نشد [معلوم میشود که] اصرار بر گناه دارد و کسی که اصرار بر گناه دارد بخشوده نمی شود، زیرا چنین کسی به عقوبت گناهش ایمان نیاورده است و اگر ایمان به جزا داشت، از گناهی که کرده نادم و پشیمان می شد و پیامبر اکرم (ص) هم فرمود: بعد از استغفار گناه کبیره ای باقی نمی ماند و با وجود اصرار بر گناه نیز، گناه، دیگر صغیره نخواهد بود [و تبدیل به کبیره می شود].

عواقب کارهای دنیوی نیز همین طور است؛ اگر انسان کاری بکند که می داند این کار بزودی او را به مشکل بسیار عجیبی دچار می کند، سخت پشیمان می شود و خود را سرزنش می نماید، یا اینکه به عنوان مثال انسان غذایی می خورد که می داند این غذا او را به بیمارستان میکشاند، بعد از خوردن خود را ملامت می کند که چرا این کار را کردم، چرا این غذا را خوردم. به هر حال، اگر انسان بداند که حتماً عقاب می شود و ایمان به عقاب و عذاب داشته باشد، قطعاً از گناهش پشیمان می شود و اگر پشیمان نشود، معلوم می شود که ایمان به عقاب ندارد. در توضیح این مطلب حضرت چنین می فرماید: «وَأَمَّا قَوْلُ اللَّهِ وَلَا يَسْتَفْعُونَ إِلَّا لِنِ ارْتِضَىٰ فَإِنَّهُمْ لَا يَسْتَفْعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ اللَّهُ دِينَهُ وَالدِّينُ الْإِقْرَارُ بِالْجَزَاءِ عَلَى الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ وَمَنْ ارْتَضَىٰ اللَّهُ دِينَهُ نَدِمَ عَلَىٰ مَا يَرْتَكِبُهُ مِنَ الذُّنُوبِ لِمَعْرِفَتِهِ بِعَاقِبَتِهِ فِي الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup>

اما این آیه شریفه که می فرماید: شفیعان شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که مورد رضایت باشد؛ معنایش این است که: شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که خداوند دین او را پسندیده باشد و دین عبارت است از اقرار و ایمان به روز جزا بر حسنات و سیئات و کسی که دینش مورد رضایت خداوند باشد، از گناهی که مرتکب شده ناراحت و پشیمان می شود، زیرا به عواقب گناهانش در قیامت آگاه است و ایمان دارد. پس اگر کسی گناه می کند و خیم به ابرو نمی آورد، جزو «...من ارتضی...» نیست و تنها کسی که از گناه خود ناراحت و نادم می شود، مورد رضایت است و به طور قهری برای مشمول شفاعت شدن لایق خواهد بود. البته آن چه در مورد پشیمانی گفتیم، شرط لازم برای تحقق توبه است، اما برای تحقق کامل توبه،

<sup>۱</sup> - همان مترک.

علاوه بر پشیمانی، تصمیم به عدم تکرار گناه هم لازم است و علاوه بر آن مفاسدی که در اثر کارهای انسان به بار آمده باید اصلاح و جبران شود. به هر حال، پشیمانی برای توبه کامل کافی نیست، ولی از جهت قابلیت برای شفاعت؛ کسی که در اثر گناه نادم و ناراحت شد، جزء ﴿...من ارتضى﴾<sup>۱</sup> است و لیاقت شمول شفاعت را دارد.<sup>۲</sup>

« مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ » - کلمه "حمیم" به معنای نزدیک و خویشاوند است، و معنای جمله این است که کفار خویشاوند و نزدیکی ندارند که به یاری آنان بیا خیزد و حمیت قرابتش به هیجان آید. و این معنا در جمله:

« فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ »

« ای کسانی که کفر ورزیدید! امروز عذر و بهانه نیاورید، چون به غیر آنچه که کرده‌اید جزایتان نمی‌دهند »<sup>۳</sup>

« ایشان قیامت را دور می‌بینند ولی ما آن را نزدیک می‌بینیم »<sup>۴</sup>

« امروز دیگر پیوند خویشی در بینشان نیست. »<sup>۵</sup>

نیز آمده. و معنای جمله « وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ » این است که: کفار شفاعت پذیرفته ندارند.

۹- ( وَ كَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى ﴾<sup>۶</sup>

(وجه بسیار فرشته آسمانها که شفاعتشان چیزی را سود ندهند. مگر پس از آنکه خداوند برای هر کس که می‌خواهد و از

او راضی می‌باشد رخصت دهد)

<sup>۱</sup> - فرقان / ۷۱

<sup>۲</sup> - همان، ص ۴۰۷.

<sup>۳</sup> - تحریم / ۷.

<sup>۴</sup> - سوره: معارج، آیه ۶.

<sup>۵</sup> - سوره: هود، آیه ۱۰۱.

<sup>۶</sup> - النجم / ۲۶.

﴿أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خِلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ...﴾<sup>۱</sup>

«پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه داد و ستدی هست و نه دوستی و نه شفاعتی، از آنچه روزیتان کرده ایم انفاق

کنید...»

﴿وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ...﴾<sup>۲</sup>

« و از کسی شفاعتی نپذیرند...».

در این آیات راههای متصور برای نجات محرومان غیر از ایمان و عمل صالح چه از طریق پرداخت عوض و دیون مالی و مادی، یا پیوند و سابقه‌ی دوستی و یا مسأله شفاعت نفی شده است. حتی در مورد بعضی از گناهکاران می‌خوانیم؛

﴿... فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ.﴾<sup>۳</sup>

( شفاعت شفاعت کنندگان به حال ایشان سودی ندارد...)

دوم - آیاتی که شفیع را منحصرأ خداوند متعال معرفی می‌کند و شفاعت را فقط مخصوص ذات

اقدس الهی می‌داند؛

﴿مَالِكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ...﴾<sup>۴</sup> «برای شما هیچ سرپرست و شفیعی غیر از خداوند نیست...»

﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً...﴾<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - بقره/ ۲۵۴.

<sup>۲</sup> - همان/ ۴۸.

<sup>۳</sup> - سوره مدثر: آیه ۴۸.

<sup>۴</sup> - سوره سجده: آیه ۴.

<sup>۵</sup> - سوره زمر: آیه ۴۴.

( بگو، شفاعت یکسره از آن خداست..)

سوم - آیاتی که شفاعت را مشروط به اذن و فرمان خدا می کند:

﴿ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ... ﴾<sup>۱</sup>

( چه کسی می تواند جز به اذن خدا شفاعت کند؟..).

﴿ وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ إِذْنَهُ لَهُ... ﴾<sup>۲</sup>

( شفاعت جز برای کسانی که خداوند اذن (اجازه) دهد سودی ندارد..).

چهارم - آیاتی است که شرایطی را برای شفاعت شونده (مشفوع) بیان کرده است، گاهی این شرط را

رضایت و خشنودی پروردگار معرفی می کند؛ ﴿ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى. ﴾<sup>۳</sup>

( و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد شفاعت نمی کنند...)

و گاه شرط آن را گرفتن پیمان و عهد نزد خدا معرفی می کند؛

﴿ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا... ﴾<sup>۴</sup>

« کسی به شفاعت دست می یابد که به خداوند و به پیامبر ایمان داشته باشد و نزد خدا تعهد و پیمان بسته باشد...».

و زمانی هم صلاحیت شفاعت شدن را از بعضی از بجرمان و گناهکاران سلب می کند؛

﴿ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا يَشْفَعُ يَطَّاعٌ... ﴾<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> -سوره بقره: آیه ۲۵۵

<sup>۲</sup> -سوره سباء: آیه ۲۳

<sup>۳</sup> -انبیاء: ۲۸

<sup>۴</sup> -مريم: ۸۷

<sup>۵</sup> -سوره غافر: آیه ۱۸

« برای ستمگران نه یآوری هست و نه شفاعتگری که مورد اطاعت باشد...».

البته شرایط شفاعت شونده در بخش های دیگر آمده است.

پنجم - در آیاتی نیز شفاعت به معنی یاری و پشتیبانی از برادر عقیدتی و دینی در کمک به وی و یا در جهاد با تجاوزگران است که بهره دنیوی غنایم و پاداش اخروی آن جنت خداست و اگر در گناه و تجاوزی با هم دینش رفاقت کند، بهره دنیای او سرزنش و نصیب جهان دیگرش کیفر خواهد بود؛

﴿مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَيَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا ..﴾<sup>۱</sup>

(هر که شفاعتی نیکو کند، او را بهره ای باشد و کسی را که شفاعتی بد کند وی را از آن سهمی باشد..). معانی و تعبیر دیگری نیز از مسأله شفاعت در قرآن کریم آمده است ولی آنچه مد نظر ما بوده است در دسته بندیهای فوق ذکر شده است.

### ج) نتایج مربوط به آیات شفاعت :

نتیجه ای که از آیات مربوط به شفاعت می شود گرفت، به شرح ذیل می باشد؛

۱. شفیع علی الاطلاق وبالذات در روز قیامت ذات پاک پروردگار عالمیان است.

۲. مالکیت و حکومت و سلطنت بر شفاعت تنها در ید قدرت خداست.

۳. شفاعت بدون اذن خدا و شفاعت غیر مؤمنین در قیامت وجود ندارد.

۴. شفاعت بدون اذن و رضایت خدا امکان تحقق ندارد.

۵. شفاعت شفیعان در گاه الهی با دو رکن اساسی یعنی اذن و رضایت خدا و مختار و مرضی بودن شفیع

و یا مشفوع له محقق می شود.

<sup>۱</sup> -سوره نساء؛ آیه ۸۵

۶. وجود شفاعت کنندگان در روز رستاخیز وانجام شفاعت در آن روز جای انکار و تردید نیست.
۷. شفاعت کنندگان و یا شفاعت شوندگان باید عهد و پیمان در پیشگاه خدا داشته باشند .
۸. شفیعان باید شهادت به حق داده و به یگانگی خدا از ته دل اعتقاد داشته باشند.
۹. اگر همه شفیعان و ملائکه ها جمع شوند برای شفاعت بدون اذن باری تعالی شفاعت آنها سودی نمی دهد.
۱۰. جهت شمول شفاعت خدای سبحان انسانها را از ارتکاب معاصی تحذیر نموده است.
۱۱. بتها و خدایان دروغین قادر به شفاعت نیستند.
۱۲. عده ای از بندگان صالح خدا که مرضی او باشند شفاعت می نمایند.
۱۳. کافرین و مشرکین و منافقین و ظالمین از شفاعت محروم هستند.
۱۴. در روز معاد منکرین به کذب عقائد خود و صدق وعده های الهی پی می برند.
۱۵. هیچ کس در عالم معاد بجز خدا و شفیعان درگاه الهی با اذن او، صاحب اختیار نیست.
۱۶. هیچ نوع دوستی و فاهیلی و رفاقت در قیامت دردی را دوا نمی کند.
۱۷. عده کثیری از گناهکاران موحدین و مؤمنین مشمول شفاعت می شوند.
۱۸. شفاعت عطایی است از طرف خداوند متعالی که وعده آن را به رسول اکرم (ص) داده است.

#### ۴- شفاعت از نگاه روایات و سنت

##### الف) نقل روایات

گذشته از قرآن، در کتب حدیث نیز روایات بسیاری درباره شفاعت نقل شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم، پیامبر اکرم (ص) شفاعت را از جمله موهبت های خدا می داند که به آن حضرت اعطا شده است:

۱- «اعطیت خمساو اعطیت الشفاعة، فادخرتها لامتی فهی لمن لا یشرک بالله»<sup>۱</sup>

(از جانب خداوند پنج موهبت به من اعطا شده، و (از آن جمله) به من شفاعت داده شده، که آن را برای امتم ذخیره

کرده‌ام. شفاعت من در حق کسانی خواهد بود که به خداوند شرک نمی ورزند)

قبولی توبه، نباید مایه تجری افراد بر گناه شود، بلکه باید آن را روزنه امیدی شمرده و اصطلاح، آب را از سر گذشته می‌پندارند و در نتیجه هیچگاه به فکر بازگشت به طریق صحیح نمی‌افتند. از بیان گذشته همچنین روشن می‌شود که اثر بارز شفاعت، بخشودگی برخی از گنهکاران است، و بنابر این تاثیر آن منحصر به ترفیع درجه شفاعت‌شوندگان، که برخی از فرق اسلامی مانند معتزله گفته‌اند، نیست.

مقام شفاعت برای پیامبر و خاندان او ثابت است. در قیامت هنگام حسابرسی نیز مواجهه انسان‌ها با پیامبر و آل

او حتمی است و تقادی عملکرد دنیوی در آخرت است.<sup>۲</sup>

طرح مساله شفاعت یا برخورد با پیامبر در قیامت، توجه دادن به این بعد اعتقادی است. در حدیثی دیگر شفاعت

شامل حال کسانی می‌شود که مرتکب گناهان کبیره شده‌اند:

۲- پیامبر می‌فرماید: (انما شفاعتی لاهل الکبائر من امتی)<sup>۳</sup>

(شفاعت من مخصوص مرتکبان کبائر از امتم می‌باشد).

در ظاهر علت اینکه شفاعت را مخصوص مرتکبان کبائر دانسته این است که خداوند صراحتاً در قرآن

وعده داده که هر گاه انسانها از گناهان کبیره اجتناب ورزند، آنها را خواهد بخشید. و دیگر نیازی به شفاعت و

امثال آن نیست.

۳- در متون ادعیه شفاعت اولیای خدا را برای خود طلب می‌کنیم:

۱- «خصال»، ج ۱، ص ۲۹۲

۲- «منشور عقائد امامیه»، ص ۲۰۰

۳- «وسائل الشیعه»، ج ۳، ص ۱۵۳

«اللهم ارزقني شفاعَةَ الحسينِ يومَ الورود.»<sup>۱</sup>

(خدایا روزی کن برای ما شفاعت امام حسین (ع) را در روز ورود بر تو)

۴- در اشعار منسوب به امام سجاد (ع) مسأله شفاعت از مسأله اعتقادات دینی شمرده شده است:

در کوفه، وقتی امام سجاد علیه السلام را با آن حال رقت بار و دست بسته و زنجیر بر گردن آوردند، حضرت

ضمن اشعاری که می خواند، یکی هم این بود:

لَوْ أَنَّنَا وَرَسُولُ اللَّهِ يَجْمَعُنَا      يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ تُقُولُنَا<sup>۲</sup>

«اگر روز قیامت، ما و پیامبر خدا در یک جا جمع شویم، شما چه خواهید گفت؟ و چه حرفی برای گفتن یا عذرخواهی دارید؟»

در سخنانی هم که حضرت زینب علیها السلام در کوفه داشت، از جمله به این شعر تمثیل جست که:

مَاذَا تَقُولُونَ إِذْ قَالَ اللَّهُ لَكُمْ      مَاذَا فَعَلْتُمْ وَ أَنْتُمْ آخِرُ الْأُمَّمِ ...<sup>۳</sup>

«آنگاه که پیامبر (در قیامت) به شما بگوید: چه کردید؟ شما که امت آخرالزمان هستید! شما چه جواب خواهید داد؟» و به نقل

برخی منابع، در یکی از منزل های راه کوفه تا شام که اسرای اهل بیت را می بردند، بر دیواری با خدلی از خون نوشت:

شده بود:

أَتَرْجُوا أُمَّةً قَتَلَتْ حُسَيْنًا      شَفَاعَةَ جَدِّهِ يَوْمَ الْحِسَابِ؟<sup>۴</sup>

یادآوری موضوع اعتقادی شفاعت، نوعی ملامت بر غمگردد دشمنان نیز بود، چرا که جنایت آنان نسبت به

ذریه ی پیامبر، با وضع امتی که به شفاعت آن حضرت اعتقاد داشته باشند، ناسازگار است.

<sup>۱</sup> - دعای زیارت عاشورای امام حسین (ع)

<sup>۲</sup> - بحار، ج ۴۵، ص ۱۱۴

<sup>۳</sup> - الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۵

<sup>۴</sup> - اللهوف، ص ۱۴۳



۵. درخواست شفاعت و امید به آن نیز، که در زیارت‌نامه‌ها آمده است، همین اثر تربیتی را دارد. از جمله در

زیارت امام حسین علیه‌السلام می‌خوانیم:

«فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ وَ كُنْ لِي شَفِيعاً»<sup>۱</sup>

در زیارت عاشورا نیز از خدا می‌خواهیم که شفاعت آن حضرت را در روز قیامت، روزی ما سازد.

اهل بیت پیامبر، برگزیدگان خدایند و مقام والایشان نزد او، در زیارت‌نامه‌ها بازگو شده است. در سخنانی هم که خود امام حسین، امام سجاد، حضرت زینب علیهم‌السلام و دیگر عاشوراییان بیان کرده‌اند، از این مقام یاد شده است.

۶. شفاعت شامل حال مشرکان نمی‌شود:

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «شفاعتی نائله ان شاء الله من مات و لا یشرك بالله شیئاً»<sup>۲</sup>

(از شفاعت من - اگر خداوند بخواهد - آن کس برخوردار خواهد شد که بپرد در حالی که هیچ گونه شائبه شرکی نسبت به خداوند در دلش نباشد).

۷. روایات تفسیری مقام محمود را از مصادیق شفاعت بر شمرده‌اند:

پیامبر اکرم (ص) فرمود: قوله تعالی: «عَسَىٰ اَنْ يَّبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»<sup>۳</sup>

«هو المقام الذی اشفع لامتی فیه»؛ منظور از «مقام محمود» در آنجا که خداوند می‌فرماید: (امید است که خداوند تو

را برای مقام محمود برگزیند)، مقامی است که من در آن برای امت شفاعت می‌کنم.

مفسران اسلامی به حکم روایات می‌گویند که مقصود از مقام محمود، همان مقام شفاعت است و

خداوند چنین مقامی را به وی داده است.

<sup>۱</sup> - دعای زیارت امام حسین (ع).

<sup>۲</sup> - «مسند احمد بن حنبل»، ج ۲، ص ۲۲۶

<sup>۳</sup> - «روضه الواعظین»، ج ۲، ص ۵۰۱

۸. عالمان و شهیدان در کنار پیامبران به شفاعت می پردازند:

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «ثلاثة يشفعون الى الله فيشفعون: الانبياء، ثم العلماء ثم الشهداء»؛ سه گروهند که در نزد خداوند برای گنه کاران شفاعت می کنند و شفاعتشان مورد قبول واقع می شود: نخست انبیا، سپس علما، پس از آن شهداء<sup>۱</sup>.

۹. اهل مودت نسبت به اهل بیت (ع) از شفیعیان محسوب می شوند:

امیرالمؤمنین علی(ع) فرمود: «لنا شفاعة و لاهل مودتنا شفاعة»؛

(برای ما و نیز برای اهل مودت و دوستی ما حق شفاعت وجود دارد).<sup>۲</sup>

۱۰. اعتقاد به شفاعت از ضروریات دین شمرده شده است:

امام صادق(ع) فرمود: «من انكر ثلاثة اشياء فليس من شيعتنا، المعراج والمسألة في القبر والشفاعة»؛

(هر کس منکر سه چیز شود از شیعیان ما محسوب نمی شود: معراج پیامبر، سؤال در قبر و مسئله شفاعت).<sup>۳</sup>

۱۱. شفاعت امامان از سوی خدا مورد پذیرش قرار می گیرد:

امام صادق(ع) فرمود: «نجد ربنا، و نصلی علی نبینا، و نشفع لشیعتنا فلا یردنا ربنا»

(ما پروردگاران را تمجید می کنیم و بر پیامبران درود و سلام می فرستیم، و برای شیعیانمان شفاعت می کنیم، و

خداوند نیز درخواست ما را رد نمی کند).<sup>۴</sup>

امام رضا(ع) فرمود: «من كذب بشفاعة رسول الله(ص) لم تنله»<sup>۵</sup>؛

<sup>۱</sup> - «مستدرک»، ج ۱، ص ۲۰

<sup>۲</sup> - «الخصال»، ج ۲، ص ۶۳۴

<sup>۳</sup> - «امالی صدوق»، ص ۲۹۵

<sup>۴</sup> - «کافی»، ج ۱، ص ۴۳۴

<sup>۵</sup> - «بحار الانوار»، ج ۸، ص ۴۰.

۱۲. شفاعت شامل کسانی که بدان اعتقاد ندارند، نمی شود:

” هر کس شفاعت رسول خدا(ص) را تکذیب نماید مشمول آن نخواهد شد.“

با توجه به آیات متعدد قرآنی و روایات فراوانی که از شیعه و اهل سنت در زمینه شفاعت وجود دارد، انکار و تشکیک در آن هرگز برای اهل تحقیق و انصاف ممکن نیست.

### ب) تقسیم بندی روایات

به طور کلی می توان این روایات مربوط به شفاعت را به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول: روایاتی است که شفاعت را به پیامبر اسلام(ص) و اهل بیت شان، مؤمنین و یا گروه های خاص دیگر مثل انبیاء، علما و شهدا نسبت می دهند و در بعضی از روایات آمده است که همسایه نیز درباره همسایه شفاعت می کند.

دسته دوم: روایاتی است که شفاعت را به بعضی از اعمال نسبت می دهند. به عنوان مثال در روایتی شفاعت به ”رحم و امانت داری“ نسبت داده شده است.

دسته سوم: روایاتی است که مفادشان این است که همه مردم (ظاهرا بدون استثناء) در قیامت نیازمند شفاعت پیامبر اکرم(ص) می باشند. اگر بخواهیم معنای عام و جامعی برای شفاعت - با توجه به گونه های مختلف آن ارائه دهیم، بهتر این است که بگوییم؛

«شفاعت همان واسطه شدن در درگاه الهی است» و این گروه ها، اشخاص و یا افعالی که در روایات به عنوان ”شفیع“ مطرح می شوند، هر یک به نوبه خود مجرای از مجاری فیض باری تعالی هستند و وسائط و کانال های جریان لطف و رحمت خداوندی به شمار می روند یعنی همان گونه که هر یک از فیوضات الهی سبب و مجرای خاصی دارد، فیض شفاعت الهی نیز سبب و کانال خاصی دارد.

در تفسیر ”برهان“ از امام کاظم(ع) از حضرت علی(ع) نقل شده که می فرماید:

از پیامبر اکرم(ص) شنیدم «شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَايِرِ مِنْ أُمَّتِي...»<sup>۱</sup>

(شفاعت من برای مرتکبین گناهان کبیره از امتم است...)

راوی حدیث که ابن ابی عمیر است می گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم چگونه برای مرتکبان گناهان

کبیره شفاعت ممکن است در حالی که خداوند می فرماید؛

((وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى))<sup>۲</sup>

(مسلم است کسی مرتکب گناهان کبیره شود مورد ارتضاء و خشنودی خداوند نیست!)

امام کاظم(ع) در پاسخ فرمود:

” هر فرد با ایمانی که مرتکب گناهی می شود به طور طبیعی پشیمان خواهد شد و پیامبر(ص) هم فرموده پشیمانی از

گناه توبه است... و کسی که پشیمان نگردد مؤمن واقعی نیست و شفاعت برای او نخواهد بود و عمل او ”ظلم“ است،

همینطور خداوند می فرماید ظالمان دوست و شفاعت کننده ای ندارند”<sup>۳</sup>

مضمون صدر حدیث این است که شفاعت شامل مرتکبان گناهان کبیره می شود ولی ذیل حدیث

روشن می کند که شرط اصلی پذیرش شفاعت واجد بودن ایمانی است که مجرم را به مرحله ندامت،

خودسازی و جبران برساند و از ظلم، طغیان و قانون شکنی برهاند. (شفاعت سازنده و صحیح)

امام صادق (ع) فرمود:

«مَنْ سَرِهَ أَنْ يَنْفَعَهُ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَطْلُبْ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَرْضَى عَنْهُ»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - تفسیر برهان، جلد ۳، ص ۵۷

<sup>۲</sup> - مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۶۵

<sup>۳</sup> - سوره انبیاء: آیه ۲۸.

<sup>۴</sup> - بحار، ج ۸، ص ۵۳

لحن این روایت نشان می‌دهد که برای اصلاح اشتباهاتی که در زمینه شفاعت برای بعضی یاران امام (ع) خصوصاً و جمعی از مسلمانان عموماً رخ داده است صادر شده و با صراحت شفاعتهای تشویق کننده به گناه در آن نفی شده است و می‌گوید "هر کس دوست دارد مشمول شفاعت گردد باید خشنودی خدا را جلب کند".

باز در حدیث دیگری از امام صادق(ع) می‌خوانیم:

« اِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَعَثَ اللَّهُ الْعَالَمَ وَالْعَابِدَ، فَأَذَا وَقَفَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ قِيلَ لِلْعَابِدِ انْطَلِقْ إِلَى الْجَنَّةِ، وَقِيلَ لِلْعَالَمِ قِفْ تَشْفَعُ لِلنَّاسِ بِحَسَنِ تَأْدِيكَ لَهُمْ<sup>۱</sup> »:

( در روز رستاخیز خداوند، عالم و عابد را بر می‌انگیزد و به عابد می‌گوید تنها خود به سوی بهشت رو اما به عالمی گوید برای مردمی که تربیت کردی شفاعت کن)

در این حدیث پیوندی در میان "تأدیب عالم" و "شفاعت او نسبت به شاگردانش" که مکتب او را درک کرده‌اند دیده می‌شود که می‌تواند پرتویی به روی بسیاری از موارد تاریک این بحث بیفکند.

بعلاوه اختصاص شفاعت کردن به عالم و نفی آن از عابد نشانه‌ای است از این که شفاعت در منطق اسلام یک مطلب قراردادی و یا پارتی بازی نیست بلکه یک مکتب تربیتی است، تجسمی از تربیت در جهان.

با نگاهی به کتاب هدایت‌مان (قرآن مجید) به فکر فرو می‌روی که بیش از ۷۰ مرتبه کلمه نماز با این عنوان و یا عناوینی دیگر آورده شده است؛ چه چیزی در پس این همه اصرار نهفته است، نماز و برپاداشتن آن چقدر باید مهم باشد که وقتی ظهر عاشورا امام حسین(ع) با یادآوری ابو ثمامه صاعدی جنگ با لشکر شیطان را به خاطر نماز (ستون دین) متوقف می‌کند و ساعتی اجازه می‌خواهد برای دیدار با پروردگار. از این بالاتر دیگر چه نمونه‌ای باید بر ایمان آورده شود؟!

ترک نماز جزء آن چیزهایی است که پیامبر(ص) ما درباره آن می فرماید؛

«لا ینال شفاعتی من استخف بصلاته ولا یرد علی الحوض لا والله»<sup>۱</sup>؛

(کسی که نماز را سبک بشمارد به شفاعت من دست نیابد و به خدا سوگند که در کنار حوض [کوثر] بر من وارد

نشود)

از اینکه پیامبر (ص) کسی را که مرتکب گناه کبیره شده شفاعت می کند ولی سبک شمارنده نماز را شفاعت نمی کند، معلوم می شود که سبک شمردن نماز از سایر گناهان کبیره ای که مورد شفاعت پیامبر و آتش (علیهم السلام) قرار می گیرند بزرگتر و آثار آن برای انسان، خطرناک تر است و شاید بتوان گفت با توجه به فرمایش پیامبر اکرم(ص) که رحمة للعالمین است، سبک شمردن نماز از بزرگترین منکرات است (منکر: زشتی و گناهی که از آن نهی شده ایم).

باشد که با سبک نشمردن نماز خود را از شفاعت شوندگان قرار دهیم. (انشاء...)

از پیامبر گرامی اسلام(ص) روایت شده است که فرمود:

اعطیت خسما... و اعطیت الشفاعه، فادخرتها فادخرتها لامتی فهی لمن لا یشکر بالله شیئا؛

خداوند بزرگ به من پنج امتیاز عطا فرموده است... که یکی از آنها شفاعت است و آن را برای امت

خود نگاه داشته ام؛ شفاعت برای کسانی است که شرک نورزند<sup>۲</sup>

و نیز فرموده اند: «انا اول شافع و اول مشفع»<sup>۳</sup>؛ من نخستین کسی هستم که شفاعت می کند و نخستین کسی

هستم که شفاعت او پذیرفته می شود.

<sup>۱</sup>- «روضه الواعظین»، ج ۲، ص ۳۱۹

<sup>۲</sup>- «خصال»، ج ۱، ص ۲۹۳

<sup>۳</sup>- «امالی للطوسی»، ص ۲۷۱

ابوذری می گوید: پیامبر (ص) شبی تا به صبح نماز می خواند و رکوع و سجود می کرد و پیوسته آیه ۱۱۸ سوره مائده را می خواند. چون صبح شد، از او درباره چگونگی و چرایی این نماز پرسیدم، فرمود:

( من از پروردگار عزوجل برای امتم شفاعت خواستم و او خواسته مرا پذیرفت؛ پس شفاعت به خواست خدا از آن کسانی است که مشرک نباشند)

از مجموع روایات که در این رساله آمد، به وضوح می توان فهمید که:

- ۱- با توجه به روایات فراوانی که از شیعه و اهل سنت در زمینه شفاعت وجود دارد، انکار و تشکیک در آن هرگز برای اهل تحقیق و انصاف ممکن نیست.
  - ۲- مقام شفاعت برای پیامبر و خاندان او ثابت است شفاعت من در حق کسانی خواهد بود که به خداوند شرک نمی ورزند.
  - ۳- علت اینکه شفاعت را مخصوص مرتکبان کبایر دانسته این است که خداوند صراحتاً در قرآن وعده داده که هر گاه انسانها از گناهان کبیره اجتناب ورزند، آنها را خواهد بخشید. و دیگر نیازی به شفاعت و امثال آن نیست.
  - ۴- مفسران اسلامی به حکم روایات می گویند که مقصود از مقام محمود، همان مقام شفاعت است و خداوند چنین مقامی را به وی داده است. و نیز روایات به سه دسته تقسیم میشوند؛
- دسته اول: روایاتی است که شفاعت را به پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت شان، مؤمنین و یا گروه‌های خاص دیگر مثل انبیا، علما و شهدا نسبت می دهند شفاعت می کند.
- دسته دوم: روایاتی است که شفاعت را به بعضی از اعمال نسبت می دهند.

دسته سوم: روایاتی است که مفادشان این است که همه مردم (در ظاهر بدون استثناء) در قیامت نیازمند شفاعت پیامبر اکرم (ص) می‌باشند.

### ۵- قلمرو شفاعت

آنچه که در این مبحث به صورت مختصر بحث خواهد شد، عبارت است از؛ شفاعت کنندگان، شفاعت شوندگان، اعمال موجب تسریع در شفاعت، محرومین از فیض شفاعت. اما قبل از ورود به بحث توجه به چند نکته لازم است.

نکته اول: قرآن مجید اصل کلی شفاعت را بیان فرموده، البته این اسلوب قرآنی در اکثر اصول مسلم اسلامی می‌باشد که بیان فروع را به سنت و اگذار کرده است. لذا در مسئله شفاعت نیز گویی قرآن نخواسته که همه شرایط شمول شفاعت را به طور صریح بیان کند، برای اینکه قلوب را در بین خرف و رجاء نگه دارد تا از مسئله شفاعت کسی سوء استفاده نکرده و موجب تجری نگردد. و با مراجعه به سنت و با اجتهاد و استنباط، ابعاد بیشتری از مسئله تبیین و تشریح گردد.

نکته دوم: شفیعیانی که در باره آنها صحبت خواهیم کرد اولاً نحوه‌ی شفاعتشان با همدیگر فرق دارد. مثلاً شفاعت عمل صالح و یا شفاعت توبه یا شفاعت ائمه معصومین (ع) متفاوت است، اما نتیجه همان نجات از مهالک و غفران معاصی می‌باشد و ثانیاً مقدار شفاعت آنها نیز با همدیگر فرق می‌کند که بیشترین شفاعت را سید مرسلین حضرت پیامبر خاتم (ص) و بعد از آن ائمه و انبیاء و فرشتگان و بعد علماء و صلحاء و شهداء و بعد مومنین و... خواهند کرد.



در این زمینه امام باقر(ع) فرمود: «يشفع الرجل في القبيله، ويشفع الرجل لاهل البيت و يشفع الرجل للرجلين على قدر عمله فذالك المقام المحمود»<sup>۱</sup>

«مردی به یک قبیله و مردی دیگر به اهل بیت خود و مردی نیز به دو نفر شفاعت می نمایند که همه به اندازه عمل خود شفاعت می کنند و این است معنای مقام محمود.»<sup>۱</sup>

نکته سوم: کسانی که از ارتکاب گناهان کبیره اجتناب نکنند گناهان صغیره آنان آمرزیده می شوند و احتیاجی به شفاعت ندارند.

(إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ تُكْفِرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ تَدْخُلُكُمْ مَدْخَلًا كَرِيمًا)<sup>۲</sup>

«اگر از گناهان بزرگ اجتناب کنید ما از گناهان کوچک شما می گذریم.»

(الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْقَوَاعِشَ إِلَّا اللَّيْمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ)<sup>۳</sup>

«آنان که از گناهان کبیره و اعمال زشت دوری کنند، مگر آن که لمی از آنها سرزند، که مغفرت پروردگار بسیار وسیع است.»

همچنین آنهایی که صاحب اعمال صالحه هستند و گناه مرتکب نشده‌اند نیاز به شفاعت ندارند و به وسیله اعمال خودشان نجات می یابند.

امام صادق (ع) می فرماید: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَشَفَعَ فِي الْمَذْنِبِينَ مِنْ شِيعَتِنَا فَأَمَّا الْمُحْسِنُونَ فَقَدْ نَجَّاهُمُ اللَّهُ»<sup>۴</sup>

«در روز رستاخیز ما به گناهکاران از شیعیان خود شفاعت می کنیم اما محسنین را خود خداوند نجات داده است.»

نکته چهارم: در بعضی از روایات می خوانیم که هر کس ذرهای از ایمان در قلبش باشد مشمول

شفاعت می شود در بعضی از روایات وارد شده که زنا کاران و خیانت کاران و کسانی که نماز راسبک

<sup>۱</sup> - میزان الحکمه، ص ۹۵۲۳.

<sup>۲</sup> - سوره نساء: آیه ۳۱.

<sup>۳</sup> - سوره نجم: آیه ۳۲.

<sup>۴</sup> - میزان الحکمه، ص ۹۴۹۶.

می‌شمارند...مشمول شفاعت نمی‌شوند، این روایات منافاتی باهم ندارند چرا که مرتکبین گناهان کبیره پس از تحمل مقداری از عذاب نجات خواهند یافت نه اینکه اصلاً شفاعت نمی‌شوند.

نبی مکرم اسلام (ص) می‌فرمایند:

«يَقُولُ الرَّجُلُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَيُّ رَبِّ عَبْدِكَ فَلَانُ سَقَانِي شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ فِي الدُّنْيَا فَشَفَعْتَنِي فِيهِ فَيَقُولُ أَذْهَبُ فَأَخْرِجُهُ مِنَ النَّارِ فَيَذْهَبُ فَيَتَجَسَّسُ فِي النَّارِ حَتَّى يُخْرِجَهُ مِنْهَا»<sup>۱</sup>

«مردی از اهل بهشت در قیامت می‌گوید: ای خدا من، بنده توفلانی در دنیا به من آب داد خوردم، پس شفاعت مرا در حق او قبول فرما، خداوند می‌فرماید: برو و او را از آتش جهنم بیرون بیاور که آن مومن بهشتی رفته و در جهنم دنبال او می‌گردد و نهایتاً او را پیدا کرده و از آتش نجاتش می‌دهد.»

طبق آیات و روایات، شفاعت در روز قیامت مخصوص خداوند است .

خداوند متعال می‌فرماید: «برای اوست هر چه در آسمانها و زمین است. کیست که بدون اذن او بتواند

نزد او شفاعت کند؟<sup>۲</sup>

اما آیا خداوند اجازه شفاعت را به کسی می‌دهد یا نه؟

نیز در قران کریم آمده: «همه شفاعت برای خداوند است»<sup>۳</sup>

ولی خداوند به افرادی که خودش بخواهد اذن شفاعت می‌دهد؛

<sup>۱</sup> - مجمع البیان - ج ۱۰، ص ۳۹۳.

<sup>۲</sup> - سوره بقره: آیه ۲۵۶

<sup>۳</sup> - سوره زمر: آیه ۴۴

همان طور که خداوند علم غیب را مخصوص خود می داند اما در آیه دیگری فرماید: «خداوند عالم به غیب

است و بر علم غیبش کسی را مطلع نمی گرداند، مگر رسولش و کسی را که مورد پسند و رضایت او باشد»<sup>۱</sup>

بنابراین علم غیب مخصوص خداوند است و علم رسول خدا همان علم خداست. شفاعت هم مخصوص خداوند است و به افراد دیگری نیز این اجازه داده شده است.

همه مسلمانها شفاعت را قبول دارند و روایات زیادی از طریق شیعه و سنی در این باب وارد شده است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود، تا قلمرو شفاعت معلوم گردد.

رسول خدا فرمود: ثم یأتون آدم فیقولون أنت أبونا و أنت نبی فسل ربک بحکم بیننا و لو إلى النار فیقول آدم لست بصاحبکم خلقنی ربی بیده و حملنی علی عرشه و أسجد لی ملائکة، ثم أمرنی فعضیته، و لکنی أدلکم علی ابنی الصدیق الذی مکث فی قومه ألف سنة إلا خمسیین عاما یدعوهم کلما کذبوا اشتد تصدیقه نوح قال فیأتون نوحا فیقولون سل ربک حتی یحکم بیننا و لو إلى النار، قال فیقول لست بصاحبکم إنی قلت « إن ابنی من أهلی»، و لکن أدلکم إلى من اتخذہ الله خلیلا فی دار الدنیا ائتوا إبراهیم، قال فیأتون إبراهیم فیقول لست بصاحبکم إنی قلت « إنی سقیم»، و لکنی أدلکم علی من کلمه الله تکلیما موسی، قال فیأتون موسی فیقولون له، فیقول لست بصاحبکم إنی قتلت نفسا و لکنی أدلکم علی من کان یخلق بإذن الله و یبرئ الاکمه و الابرص بإذن الله عیسی، فیأتونه فیقول لست بصاحبکم و لکنی أدلکم علی من بشرتکم به فی دار الدنیا أحمد. ثم قال أبو عید الله ما من نبی من ولد آدم إلى محمد ص إلا و هم تحت لواء محمد ص قال فیأتونه ثم قال فیقولون یا محمد سل ربک بحکم بیننا و لو إلى النار، قال فیقول نعم أنا صاحبکم فیأتی دار الرحمن و هی عدن، و إن بابها سعته بعد ما بین المشرق و المغرب، فیحرك حلقة من الخلق فیقال من هذا و هو أعلم به فیقول أنا محمد، فیقال افتحوا له قال فیفتح له قال فإذا نظرت إلى ربی مجدته تمجیدا لم یجدہ أحد کان قبلی و لا یجدہ أحد کان بعدی، ثم آخر ساجدا فیقول یا

<sup>۱</sup> سوره جن آیه ۲۷

محمد ارفع رأسك و قل يسمع قولك، و اشفع تشفع، و سل تعط، قال فإذا رفعت رأسى و نظرت إلى ربى مجدته تمجيدا أفضل من الاول ثم آخر ساجدا فيقول ارفع رأسك و قل يسمع قولك، و اشفع تشفع، و سل تعط قال فإذا رفعت رأسى و نظرت إلى ربى مجدته تمجيدا أفضل من الاول و الثانى ثم آخر ساجدا فيقول ارفع رأسك، و قل يسمع قولك و اشفع تشفع و سل تعط، فإذا رفعت رأسى أقول رب احكم بين عبادك و لو إلى النار، فيقول نعم يا محمد،<sup>۱</sup>

«در روز قیامت مؤمنین نزد حضرت آدم می روند و می گویند: «ای پدر... بهشت را برای ما باز کن.

حضرت آدم می فرماید: «من شایستگی این کار را ندارم...»

آنها نزد حضرت ابراهیم می روند. او هم می فرماید: «من نیز شایستگی این کار را ندارم . حضرت موسی و حضرت عیسی نیز همین را می گویند و آنها را نزد من می فرستند. من برمی خیزم... و از خداوند اذن می گیرم و شما مسلمین را به سرعت برق از صراط عبور می دهم...»

و نیز رسول خدا فرمود: «هر پیامبری از خدا تمثالی دارد اما من درخواست خود را ذخیره کرده ام. درخواست من شفاعتم برای امتم در روز قیامت است<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: «رسول خدا اجازه شفاعت امتش را داراست. ما نیز شفاعت شیعیان خود را می کنیم و

شیعیان مان نیز شفاعت اهل خودشان را.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - «تفسیر العیاشی» ج ۲، ص ۳۱۱ و «صحیح مسلم»، کتاب الایمان، ۶/۳، عویه فروق بسیره.

<sup>۲</sup> - «بحار الأنوار»، ج ۸، ص ۴۱.

<sup>۳</sup> - «تفسیر قمی»، ج ۲، ص ۲۰۲.

و نیز فرمود: در روز قیامت هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام به در بهشت می رسد، نگاهی به این طرف و آن طرف می افکند. خطاب می رسد: «ای فاطمه! دلیل توجّهت به اطراف چیست؟»  
 فاطمه علیها سلام می گوید: «پروردگارا! من دوست دارم امروز قدر و منزلتم شناخته شود»  
 خداوند می فرماید: «ای فاطمه! بین در قلب هر کس که محبت تو یا محبت یکی از ذریه تو وجود دارد، دست او را بگیر و داخل بهشت کن.»

سوگند به خدا، فاطمه در آن روز شیعیان و محبان خود را همانند پرنده ای که دانه های خوب را از دانه های بد جدا می کند، گلچین می فرماید. و سوگند به خدا در میان مردم کسی نمی ماند مگر کافر و منافق و مشرک.<sup>۱</sup>

رسول خدا فرمود: «فی المومنین من یشفع مثل ربیعہ ومضر، و اقل المومنین شفاعه من یشفع لثلاثین انسانا» در بین مومنین کسانی هستند که شفاعت می کنند به اندازه طوایف ربیعہ، و کمترین مومنان که شفاعت می کنند، به سی نفر شفاعت می نماید.<sup>۲</sup>

### مبحث اول: شفاعت کنندگان

از روایات زیادی که در مورد شفیعیان روز قیامت وارد شده، معلوم می شود که شفیعیان در روز قیامت فراوانند؛ از جمله خدای رحمان و رحیم و قرآن، انبیاء الهی، پیامبر اکرم (ص)، ائمه اطهار، ملائکه، علماء، شهداء، مؤمنین، اعمال صالح، و ..

<sup>۱</sup> - «حق الیقین»، ص ۴۷۸.

<sup>۲</sup> - «میزان الحکمه»، ۹۵۲۵.

## ۱- خداوند متعال:

از بعضی آیات و اخبار استفاده می شود که خداوند کریم و رحمان در روز جزا شفاعت نموده و پس از پایان شفاعت شفعاء، عده زیادی را مشمول شفاعت خویش کرده و آنان را مورد الطاف کریمانه خود قرار می دهد.

در آیه کریمه می فرماید: (قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا) <sup>۱</sup>

«بگو همه شفاعت مال اوست.»

(لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ) <sup>۲</sup>

(هیچ کس را بجز خدا دادرس و شفیع نیست.)

خدائی که صاحب فضل و کرم بی حد و حصر است و شفعاء با استفاده از فضل او عدهای را نجات داده و مشمول رحمت بی پایان او قرار می دهند، هیچ بعید نیست که پس از پایان شفاعت شفعاء اراده فرماید و تمام موحدین و مومنین باقیمانده را مشمول عنایت کریمانه خود نموده و خطایای آنان را مورد اغماض قرار دهد.

در روایتی پیغمبر اسلام محمد مصطفی (ص) فرمودند:

﴿يشفع النبيون والملائكة و المومنين فيقول الجبار بقيت شفاعةي ...﴾ <sup>۳</sup>

«پیامبران و فرشته ها و مومنین شفاعت می کنند آن گاه خداوند متعال می فرماید: شفاعت من باقی مانده است.»

این گناهان ما در مقابل کرم لا یزال الهی چیزی نیست که مورد اغماض نباشد خدائی که خودش را

شفیع و اشفع الشافعین و شفیع المذنبین نام نهاده است اگر اراده فرماید همه معاصی را کان لم یکن نموده و ما

را از رحمت گسترده خود متنعم می کند.

<sup>۱</sup> - سوره زمر: آیه ۴۴.

<sup>۲</sup> - سوره انعام: آیه ۷۰.

<sup>۳</sup> - «منشور جاوید»، ج ۸، ص ۱۹۲.

(د) ابوذر غفاری و سلمان فارسی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل کرده اند، که فرمود:

« إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي مَسْأَلَةً فَأَدَّخَرْتُهَا لِشَفَاعَةِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَفَعَلَ ذَلِكَ »

( خداوند يك دعای مستجاب به من عطا فرمود و من آن را برای شفاعت مؤمنان امتم در روز قیامت نگاه داشتم ،

پس خداوند هم آن را پذیرفت.)<sup>۱</sup>

۵. امامان و حضرت زهرا علیهم السلام ؛ قال علي عليه السلام : «لنا شفاعة و لاهل مودتنا شفاعة».

( برای ما امامان و برای دوستان ما شفاعت ثابت است.)<sup>۲</sup>

۶ - مؤمنان؛ از امام صادق علیه السلام سوال شد؟

« عن المؤمن هل يشفع في اهله؟ قال: «نعم المؤمن يشفع فيشفع».<sup>۳</sup>

( که آیا مؤمن برای اهل خود شفاعت می کند؟ فرمود آری شفاعت می کند و شفاعتش پذیرفته می شود)

۷ - فرشتگان؛ قال رسول الله صلي الله عليه وآله وسلم :

«يشفع النبيون والملائكة...».

( پیامبران و فرشتگان شفاعت می کنند.)<sup>۴</sup>

۸ - شهیدان

۹ - دانشمندان

قال رسول الله صلي الله عليه وآله وسلم : «يشفع يوم القيامة. الانبياء ثم العلماء ثم الشهداء».<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - بحار، ج ۸، ص ۳۷

<sup>۲</sup> - مناقب، ج ۲، ص ۱۵.

<sup>۳</sup> - محاسن برقی، ص ۱۸۴

<sup>۴</sup> - صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۶۰

<sup>۵</sup> - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۳.

## ۱۰ - همسایگان؛

قال الصادق علیه السلام : «ان الجار یشفع جارہ».

به درستی که همسایه برای همسایه خودش شفاعت می‌کند<sup>۱</sup>

## مبحث دوم: شفاعت شوندگان

توجه به اینکه شفاعت به معنای صحیح قیود و شرائط فراوانی در چند جهت دارد، کسانی که به این اصل معتقدند برای اینکه مشمول آن شوند ناگزیرند شرائط آن را فراهم کنند، شرائطی همچون؛ از گناهان سنگین همانند حقّ النَّاس و ظلم که امید شفاعت را به صفر می‌رساند بپرهیزند. برنامه خود را در یک دگرگونی عمیق و همه جانبه در وضع خویش شروع کنند. برای رسیدن به مقام "ارتضاء" و برقرار ساختن "عهد الهی" (با توجه به آنچه که در بخشهای پیش گذشت) از گناه توبه کنند و یا حداقل در آستانه توبه قرار گیرند خلافتکاری و شکستن سد قوانین الهی را متوقف سازند و یا لااقل تقلیل دهند. ایمان به خدا، رسولش، آخرت را در خود زنده نگه دارند.

سبک نشماردن نماز یکی از شروط مهم در دستیابی به شفاعت است.

همچنین باید میان شفیع و شفاعت شونده رابطه ای بوده و شفاعت شونده زمینه شفاعت را در دنیا (با برقراری پیوند میان خود و شفیع، اقتباس از صفات او، ایجاد یک نوع سنخیت - هر چند ضعیف - بین خود و او برقرار سازد، برای رسیدن به نتیجه اینگونه آمادگی‌ها لازم است. کسی که امام حسین و امام علی (علیهما السلام) را نمی‌شناسد و از آنها تبعیتی ندارد، چگونه می‌تواند از شفاعت آنها بهره مند شود؟

<sup>۱</sup> - «بحار»، ج ۸، ص ۴۳.



قرآن مجید اشخاصی را که مشمول شفاعت می شوند به طور کلی بیان فرموده و جزئیات آن را مبهم گذاشته است.

﴿لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى﴾<sup>۱</sup>

(مقربان درگاه ربوبی شفاعت نمی کنند مگر بر کسی که خدا از او رضی باشد)

این یک قاعده کلی واصل عمومی که توسط قرآن بیان گردیده است. یعنی هر کس که اصول عقائد و خط فکری او منطبق باشد با آن چیزی که خدا امر فرموده و تا دم مرگ دین مرضی او را حفظ کرده باشد و در نتیجه بتواند رضایت پروردگار عالم را تحصیل نماید، می تواند مشمول شفاعت مقربین درگاه ربوبی قرار بگیرد.

و در آیه دیگر فرموده است: ﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾<sup>۲</sup>

(در آن روز (قیامت): شفاعت هیچ کس سودی نبخشد. مگر کسی را که خداوند رحمان به او رخصت شفاعت داده. و سخنش پسند او می باشد).

(مانند انبیاء و اولیاء علیهم السلام و مومنان) به احتمال خیلی زیاد منظور از (رضی له قولاً) در آیه فوق همان دین پسندیده می باشد. یعنی از کسی شفاعت می شود که دین او مورد پسند و رضایت خدای کریم باشد. اگر دین او مرضی خدا شد ولو اینکه در عمل هم کوتاهی کرده باشد باز مشمول شفاعت می شود باز قرآن در آیه دیگر می فرماید: ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾<sup>۳</sup> قال: لا يشفع ولا يشفع لهم ولا يشفعون «إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» الا من أذن له بولاية أمير المؤمنين و الائمة من بعده صلوات الله عليه و عليهم فهو العهد عند الله<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> -سوره انبیاء: آیه ۲۸.

<sup>۲</sup> -سوره طه: آیه ۱۰۹.

<sup>۳</sup> -«تفسیر نور الثقلین»، ج ۳، ص ۳۶۲.

بنابراین آیه شریفه مشمولین شفاعت را کسانی دانسته که در پیشگاه الهی عهدی داشته باشند، عهد به معنای اقرار به یگانگی ذات اقدس پروردگار عالم و رسالت انبیاء عظام و وصایت اوصیای کرام و انجام اعمال صالحه و در یک کلام تدین به دین خدا. پس طبق آیه شریفه نیز مشمولین شفاعت کسانی هستند که دین آنها مرضی خدا بوده باشد.

### مبحث سوم: اعمال موجب تسریع شفاعت

#### ۱- صلوات بر رسول اکرم (ص)؛

«قال النبي (ص) في الوصيه، يا علي من صلى علي كل يوم او كل ليلة وجبت له شفاعتي ولو كان من اهل الكيثر»<sup>۱</sup>

«پیامبر اکرم (ص) در وصیه خود فرمودند: ای علی هر کس بر من در هر روز و یا در هر شب صلوات بفرستد، شفاعت من بر او واجب می شود ولو اینکه از اهل گناهان کبیره باشد»

مرحوم شیخ صدوق (رضوان الله تعالی علیه) نیز از حضرت امام رضا (ع) نقل کرده که فرمود: هر کسی که قدرت نداشته باشد بر چیزی که گناهانش را برطرف کند پس بر محمد و آل او صلوات بسیار بفرستد که آن گناهان را ویران نموده و از بین می برد.<sup>۲</sup>

#### ۲- دوستی فرزندان پیامبر و خدمت به آنان؛

قال رسول الله صلي الله عليه وآله وسلم : «اربعة انا لهم شفيع يوم القيامة المكرم لذريتي و القاضي لهم حوائجهم و الساعي في امورهم عند ما اضطروا اليه و الحب لهم بقلبه و لسانه»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چهار گروه را من در قیامت شفاعت می کنم کسی که به ذریه و فرزندان من اکرام کند و کسی که نیازهای آنها را برآورده کند و در کارهای آنها تلاش کند هنگامی که در سختی هستند و آنها را با قلب و زبان دوست بدارد .

<sup>۱</sup>- مستدرک، ج ۵، ص ۳۳۴.

<sup>۲</sup>- منازل الاخره، ص ۷۴.

در حدیث دیگر پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «من اراد التوسل الی وان یکون له عندی ید اشفع له بها یوم القیامه فلیصل اهل بیتی و یدخل السرور علیهم»<sup>۱</sup>

"هر کس اراده کند که به من توسل بجوید و من شفیع او در روز قیامت بشوم باید در حق اهل بیت من صلّه کرده و آنان را مسرور نماید."

### ۳- زیارت قبور حضرات معصومین(ع)؛

تشریف به حرّمهای نورانی حضرات معصومین(ع) و زیارت مزارهای شریف آنان موجب تسریع در شفاعت مگردد. حضرت رسول اکرم (ص) در حدیثی فرمودند: «من اتی مکّه حاجاً ولم یزرنی الی المدینه جفته یوم القیامه و من اتانی زائراً وجبت له شفاعتی و من وجبت له شفاعتی وجبت له الجنه».

"هر کسی که جهت اعمال حج به مکّه بیاید و مرا زیارت نکند من در روز قیامت به او پی توجه می شوم و هر کس مرا زیارت کند شفاعت من بر او واجب می گردد و هر کس که شفاعت من بر او واجب شد سزاوار بهشت می شود."<sup>۲</sup>

### ۴ - سجده ی زیاد؛

قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله وسلم : «... فاعنی بکثرة السجود».<sup>۳</sup>

"شخصی از پیامبر درخواست شفاعت کرد، حضرت فرمود مرا کمک کن به اینکه سجده زیاد انجام دهی."

قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله وسلم : «تعلموا القرآن فانه شافع لاصحابه یوم القیامه».

"قرآن را یاد بگیرید، زیرا در قیامت برای اصحاب خود شفاعت می کند."<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - کشف النمه، ج ۱ ص ۴۳۳.

<sup>۲</sup> - کافی، ج ۸، ص ۴۸.

<sup>۳</sup> - مستدرک احمد، ج ۳، ص ۵۰۰.

<sup>۴</sup> - همان مدرک، ج ۵، ص ۲۵۱.

## ۵- صوم؛

امام صادق (ع) فرمود: «من صام ثلاثه ایام من شعبان وجبت له الجنة وكان رسول الله (ص) شفيعه يوم القيامة»  
 "هر کس سه روز از ماه شعبان را روزه بگیرد بهشت بر او واجب می گردد و رسول خدا شفیع او در روز قیامت می شود."<sup>۱</sup>

## ۶- حفظ چهل حدیث؛

در این راستا اشرف مخلوقات و خاتم پیامبران (ص) فرمود:  
 «من حفظ علی امتی اربعین حدیثا من سنتی ادخلته يوم القيامة فی شفاعتی»  
 "هر کس برای امت من چهل حدیث از سنت من حفظ کند او را در روز قیامت داخل در بهشت خود می نمایم."<sup>۲</sup>

## ۷- صداقت در گفتار و امانت داری و حسن خلق؛

رسول مکرم اسلام (ص) فرمود: «ان اقربکم منی غداً و اوجبکم علی شفاعه اصدقکم للحدیث و اداکم للامانه و احسنکم خلقاً و اقربکم من الناس»  
 "نزدیکترین شما به من در روز قیامت و سزاوارترین شما بر شفاعت من، راستگوترین شما در سخن گفتن و ادا کننده ترین شما بر امانات و خوش اخلاق ترین شما و نزدیکترین شما به مردم می باشد."<sup>۳</sup>

## ۸- سعی بین صفا و مروه؛

امام زین العابدین (ع) فرمود: «السعی بین الصفا و المروه تشفع له الملائکه فتشفع فیہ بالایجاب»<sup>۴</sup>  
 "برای سعی کننده بین صفا و مروه ملائکه های خدا شفاعت می کنند و شفاعت آنها در حق او پذیرفته می شود."

<sup>۱</sup> - فضائل الأشهر، ص ۶۰

<sup>۲</sup> - وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶۳.

<sup>۳</sup> - العمده، ص ۱۷.

<sup>۴</sup> - «الفقیه»، ج ۲، ص ۲۰۸ و الوسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۴۶۹.

## مبحث چهارم: موارد شفاعت

برای اینکه بیشتر مضمولین و موارد شفاعت را بشناسیم توجه به روایات ذیل نیز لازم

است؛ پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

۱- «انما شفاعتی لاهل الکبائر من امتی ما خلا اهل الشرک والظلم»

(شفاعت من مخصوص مرتکبان کبایر از امت می باشد غیر از کسانی که اهل شرک و ستم هستند).<sup>۱</sup>

ظاهراً علت اینکه شفاعت را مخصوص مرتکبان کبایر دانسته این است که خداوند با صراحت در قرآن وعده داده که هر گاه انسانها از گناهان کبیره اجتناب ورزند، آنها را خواهد بخشید (نساء / ۳۱) و دیگر نیازی به شفاعت و امثال آن نیست.

۲- نیز می فرماید: «اعطیت خمساً و اعطیت الشفاعة، فادخرتها لامتی فهی لمن لا یشرک بالله»<sup>۲</sup>

(از جانب خداوند پنج موهبت به من اعطا شده، و (از آن جمله) به من شفاعت داده شده، که آن را برای امتم ذخیره کرده ام. شفاعت من در حق کسانی خواهد بود که به خداوند شرک نمی ورزند.)

از بیان گذشته همچنین روشن می شود که اثر بارز شفاعت، بخشودگی برخی از گنهکاران است، و بنا بر این تاثیر آن منحصر به ترفیع درجه شفاعت شوندگان، که برخی از فرق اسلامی مانند معتزله گفته اند، نیست.

۳- پیامبر اکرم (ص) فرمود: «شفاعتی نائلة ان شاء الله من مات و لا یشرک بالله شیئاً»<sup>۳</sup>

(از شفاعت من - اگر خداوند بخواهد - آن کس برخوردار خواهد شد که بمیرد در حالی که هیچ گونه شائبه شرکی

نسبت به خداوند در دلش نباشد.)

<sup>۱</sup> - «خصال»، ص ۳۵۵.

<sup>۲</sup> - «بحار»، ج ۸، ص ۳۸.

<sup>۳</sup> - «عیون اخبار رضا»، ج ۲، ص ۶۶.

۴- امام رضا(ع) فرمود: «من کذب بشفاعة رسول الله(ص) لم تنله»

(هر کس شفاعت رسول خدا(ص) را تکذیب نماید مشمول آن نخواهد شد).<sup>۱</sup>

با توجه به آیات متعدد قرآنی و روایات فراوانی که از شیعه و اهل سنت در زمینه شفاعت وجود دارد، انکار و تشکیک در آن هرگز برای اهل تحقیق و انصاف ممکن نیست.

مضمون احادیث این است که شفاعت شامل مرتکبان گناهان کبیره می شود ولی شرط اصلی پذیرش شفاعت واجد بودن ایمانی است که مجرم را به مرحله ندامت، خودسازی و جبران برساند و از ظلم، طغیان و قانون شکنی برهاند. (شفاعت سازنده و صحیح)

۵- در کتاب کافی از امام صادق(ع) در نامه ای که به تمامی اصحابش نوشت چنین نقل شده:

«مَنْ سَرِهَ أَنْ يَنْفَعَهُ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَطْلُبْ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَرْضَى عَنْهُ»

«هر کس دوست دارد مشمول شفاعت گردد باید خشنودی خدا را جلب کند.»

لحن این روایت نشان می دهد که برای اصلاح اشتباهاتی که در زمینه شفاعت برای بعضی یاران امام(ع) خصوصاً و جمعی از مسلمانان عموماً رخ داده است صادر شده و با صراحت شفاعتهای تشویق کننده به گناه در آن نفی شده است.

ترک نماز جزء آن چیزهایی است که پیامبر(ص) ما درباره آن می فرماید:

۶- «لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ وَلَا يَرُدُّ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَاللَّهِ»<sup>۲</sup>

«کسی که نماز را سبک بشمارد به شفاعت من دست نیابد و به خدا سوگند که در کنار حوض [کوثر] بر من وارد

نشود»

<sup>۱</sup>- کافی، ج ۸، ص ۱۱

<sup>۲</sup>- همان، ج ۳، ص ۲۷۰

از اینکه پیامبر (ص) کسی را که مرتکب گناه کبیره شده شفاعت می کند ولی سبک شمارنده نماز را شفاعت نمی کند، معلوم می شود که سبک شمردن نماز از سایر گناهان کبیره ای که مورد شفاعت پیامبر و آتش (علیهم السلام) قرار می گیرند بزرگتر و آثار آن برای انسان، خطرناک تر است و شاید بتوان گفت با توجه به فرمایش پیامبر اکرم (ص) که رحمة للعالمین است، سبک شمردن نماز از بزرگترین منکرات است (منکر: زشتی و گناهی که از آن نهی شده ایم).

باشد که با سبک نشمردن نماز خود را از شفاعت شوندگان قرار دهیم. (انشاء...)

خلاصه آنکه عموم دانشمندان شیعه از مجتهدین، متکلمین، مفسرین و... بدون استثناء شفاعت را مخصوص گناهکاران امت دانسته و اولیاء و ملائکه مقربین و صالح مومنین را شایسته این مقام رفیع و ملکوتی می داند و بالاتفاق کافران را مشمول ادله شفاعت نمی دانند. اما گناهکارانی که از گناه خود توبه نموده و خداوند توبه ایشان را پذیرفته باشد، نیازی به شفاعت ندارند کما اینکه مرحوم "شیخ مفید" در این زمینه فرموده است:.... اما آنانکه از گناهان خود توبه نموده اند، نیازی به شفاعت ندارند.

فخر رازی که از علمای متعصب اهل سنت است، در تفسیر خود ذیل آیه شریفه ﴿یعلم ما بین یدیهم وما

خلفهم...﴾<sup>۱</sup>

می نویسد: (واعلم ان هذه الایه من اقوی الدلائل لنا فی اسباب الشفاعه لاهل الکبائر)<sup>۲</sup>

"بدانکه این آیه نزد ما از قویترین دلائل در باب اثبات شفاعت برای آنان که گناه کبیره کرده اند میباشد"

همچنین در ذیل آیه شریفه: ﴿ربنا اننا سمعنا منادیا یتادی للایمان...﴾<sup>۳</sup> می نویسد:

<sup>۱</sup> -سوره بقره: آیه ۲۵۵.

<sup>۲</sup> -تفسیر فخر رازی: ذیل آیه ۲۵۵، سوره بقره.

<sup>۳</sup> -سوره آل عمران: آیه ۱۹۳.

اصحاب ما به این ایه استدلال کرده اند که شفاعت حضرت محمد(ع) در روز قیامت نسبت به کسانی که گناه کبیره کرده اند پذیرفته می شود. زیرا که آیه شریفه دلالت دارد که این گروه از مؤمنان مطلقاً از خداوند در خواست آمرزش از گناهان نموده اند بدون اینکه به توبه مقید کرده باشند و خداوند متعال وعده فرموده که خواسته ایشان را اجابت نماید<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - تفسیر فخر رازی، ذیل آیه ۱۹۳، آل عمران